



A Reflection on the Arrangements of the Safavids in Providing Security and taking care of the Hajj routes

Alireza Falahati¹ Shahrbanu Delbari² Ardeshir Asadbeigi³

1. Ph. D in History and Civilization of Islamic Nations, Islamic Azad University, Mashhad Branch, Mashhad, Iran. Email: alirezafalahati4@yahoo.com
2. Associate professor of history, Islamic Azad University, Mashhad Branch, Mashhad, Iran. Email: tarik2003@yahoo.com
3. Associate professor of history, Islamic Azad University, Mashhad Branch, Mashhad, Iran. Email: jafar.asadbeigi@gmail.com

Abstract:

Safavids (1135- 907 A. H) took important measures in regard with the political, military, economic and religious fields in order to give legitimacy to their government. Since facilitating and securing the Hajj journey was always considered one of the main components of stable power in Islamic societies, Safavids, while establishing stable security at the borders and communication network of their territory, paid a lot of attention to the construction and repair of communicative roads especially pilgrimage routes.

Taking advantages of the descriptive-analytical method of research, the question has been answered on the extent the attention of Safavids towards establishing the security of the Hajj routes and pursuing the demands of the pilgrims as effective on the prosperity of the Hajj. The findings of this research clarify that although the Safavids in some years prohibited Iranians from going to Hajj for some reasons; at the same time, in order to gain legitimacy and to strengthen their government, they paid special attention to the virtue of Hajj and the security of roads and they pursued the demands of Iranian pilgrims from the Ottomans (1342- 699) and the rulers of the Hajj route, and this led to the prosperity of trade, the prosperity of caravanserais and highways, as well as the elimination of unemployment.

Keywords: Safavids, Hajj, Hajj route, Ottoman Caliphate, economic history.

Article Info:

Article type: Research Article

Article history: Received July, 30, 2019

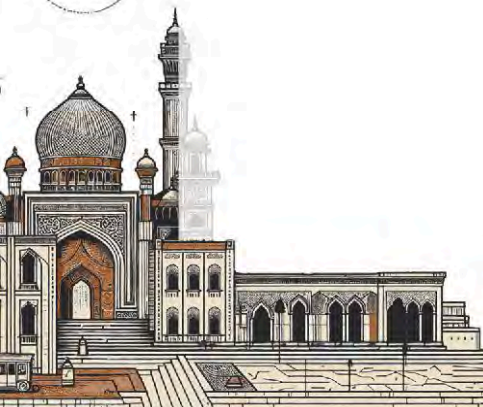
Received in revised form November, 17, 2019

Accepted November, 30, 2019

Published online March 29, 2024

Cite this article:

Falahati, A.R., Delbari, Sh., Asadbeigi, A. (2024). A Reflection on the Arrangements of the Safavids in Providing Security and taking care of the Hajj routes. *History of Islam*, 25(1), 143-175. <https://doi.org/10.22081/hiq.2024.55114.1945>



Bagher Al-Olum University



ISSN 2783-414X



قراءة في الإجراءات الصفوية لبسط الأمن و متابعة أمور مسير الحج

علي رضا فلاحتي^١ شهربانو دلبري^٢ أردشير أسديبكي^٣

١. خريج دكتوراه التاريخ والحضارة الإسلامية، جامعة آزاد، فرع مشهد، مشهد، إيران. البريد الإلكتروني: alirezafalahati4@yahoo.com

٢. أستاذ مساعد في قسم التاريخ، جامعة آزاد، فرع مشهد، مشهد، إيران. البريد الإلكتروني: Tarikh_2003@yahoo.com

٣. أستاذ مساعد في قسم التاريخ، جامعة آزاد، فرع مشهد، مشهد، إيران. البريد الإلكتروني: Jafar.asadbeigi@gmail.com

الملخص:

قام الصفويون (٩٥٧-١١٣٥ق) بالعديد من الإنجازات المهمة في مختلف الميادين: السياسية، العسكرية، الاقتصادية، والدينية، وذلك بهدف اكتساب الشرعية لحكمهم. وبما أنّ تأمين مسير الحج، و تسهيل أمور الحجاج من الدلائل الأصلية للقوة والنفوذ في المجتمعات الإسلامية، قام الصفويون بالعمل على بسط الأمن وإيجاد شبكة ارتباطات واسعة على حدود دولتهم، بالإضافة إلى اهتمامهم بإنشاء وإصلاح الطرق المرتبطة بطريق الحج. في هذه المقالة، سنتطرق بالإجابة على مدى تأثير ازدهار الحج في اكتساب الصفويين لشرعية الحكم، وذلك في ظل اهتمامهم ببسط الأمن وإحداث طرق الحج، والعمل على تحقيق مطالب الحجاج. في النتيجة، يمكن القول أنّه وعلى الرغم من أنّ الصفويين قاموا بمنع الإيرانيين من الحج في فترة زمنية معينة، إلا أنهم في نفس الوقت ولأجل اكتساب مشروعية الحكم وتقوية نفوذهم، قاموا بالاهتمام بشكل خاص ببسط الأمن في مسير الحجاج، واستحداث الطرقات، و متابعة مطالب الحجاج الإيرانيين من العثمانيين، (١٣٤٢-١٦٩٩ق)، وهذا الأمر أدى الى الازدهار التجاري، وتحقيق الحملات للمكسب والربح المادي، بالإضافة الى رفع البطالة، وازدياد الأيدي العاملة.

الكلمات المفتاحية: الصفويين، الدولة الصفوية، الحج، طريق الحج، الخلافة العثمانية، التاريخ الاقتصادي.

اطلاعات المقالة:

نوع المقالة: بحثية

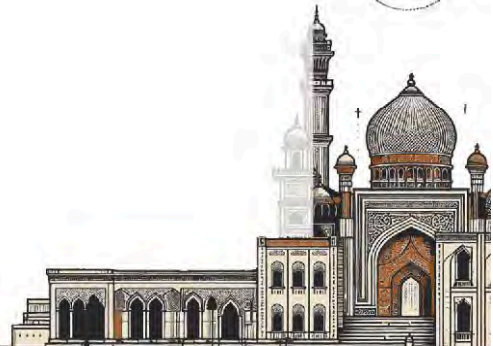
تاريخ الاستلام: ٢٠١٩/٠٧/٣٠ | تاريخ المراجعة: ٢٠١٩/١١/١٧ | تاريخ القبول: ٢٠١٩/١١/٣٠ | تاريخ النشر: ٢٠٢٤/٠٣/٢٩

استشهاد به هذا المقال:

فلاحتي، علي رضا؛ دلبري، شهربانو؛ أسديبكي، أردشير (٢٠٢٤). قراءة في الإجراءات الصفوية لبسط الأمن و متابعة أمور مسير الحج. تاريخ الإسلام، ١٢٥ (١).

https://doi.org/10.22081/hiq.2024.55114.1945.143-175

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی





تأملی بر تمهیدات صفویان در ایجاد امنیت و رسیدگی به راه‌های حج

علیرضا فلاحتی^۱ شهربانو دلبیری^۲ اردشیر اسدیگی^۳

۱. دانش‌آموخته دکترای تخصصی تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی مشهد، مشهد، ایران. رایانامه: alirezafalahati4@yahoo.com

۲. دانشیار گروه تاریخ، دانشگاه آزاد اسلامی مشهد، مشهد، ایران. رایانامه: Tarikh_2003@yahoo.com

۳. دانشیار گروه تاریخ، دانشگاه آزاد اسلامی مشهد، مشهد، ایران. رایانامه: Jafar.asadbeigi@gmail.com

چکیده:

صفویان (۹۰۷-۱۱۳۵ق)، در راستای مشروعیت و مقبولیت‌بخشی به حاکمیت خود، اقدامات مهمی در زمینه‌های: سیاسی، نظامی، اقتصادی و مذهبی انجام دادند. از آنجا که آسان‌سازی و ایمن‌سازی سفر حج، همواره یکی از مؤلفه‌های اصلی قدرت پایدار در جوامع اسلامی محسوب می‌شد، صفویان ضمن برقرار کردن امنیت پایدار در سرحدات و شبکه ارتباطی قلمرو حکومت خویش، توجه بسیاری به احداث و تعمیر راه‌های ارتباطی، به‌ویژه مسیرهای زیارتی نمودند.

در این مقاله، با بهره‌جستن از روش وصفی-تحلیلی، به این پرسش پاسخ داده شده که توجه صفویان به برقراری امنیت راه‌های حج و پیگیری مطالبات حجاج، تا چه اندازه در رونق حج تأثیر داشته است؟ یافته‌های این پژوهش، نشان می‌دهد اگرچه صفویان در برخی سال‌ها به دلایلی عزیمت ایرانیان به حج را ممنوع می‌کردند، اما در عین حال، به منظور کسب مشروعیت و تقویت حاکمیت خود، توجه ویژه‌ای به فریضه حج و امنیت راه‌های آن و پیگیری مطالبات حجاج ایرانی از عثمانی‌ها (۶۹۹-۱۳۴۲ق) و حاکمان مسیر حج داشتند و این امر، رونق تجارت، رونق کاروان‌سراها و راهداری‌ها و رفع بیکاری را به دنبال داشت.

کلیدواژه‌ها: صفویان، صفویان، حج، مسیر حج، خلافت عثمانی، تاریخ اقتصادی.

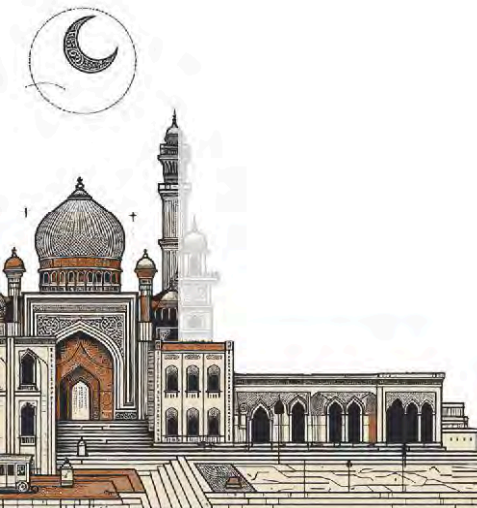
اطلاعات مقاله:

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۵/۰۸ | تاریخ بازنگری: ۱۳۹۸/۰۸/۲۶ | تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۹/۰۹ | تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۱/۱۰

استناد:

فلاحتی، علی‌رضا؛ دلبیری، شهربانو؛ اسدیگی، اردشیر (۱۴۰۳). تأملی بر تمهیدات صفویان در ایجاد امنیت و رسیدگی به راه‌های حج. تاریخ اسلام. (۱)۲۵. ۱۷۵-۱۴۳. <https://doi.org/10.22081/hiq.2024.55114.1945>



شاپا الکترونیکی
۲۷۸۳-۴۱۴۳



مقدمه

در سرزمین ایران، راه و بناهای وابسته به آن از گذشته‌های دور تاکنون، اهمیت بسزایی داشته‌اند. از بررسی متون تاریخی که در باب تاریخ ایران باستان به نگارش درآمده، آشکار می‌شود یکی از مسائلی که مورد توجه حکومت‌ها قرار داشت، تأمین راه‌های ارتباطی بین نقاط مختلف کشور بود؛ چراکه برای سامان دادن به کشور پهناور ایران و رساندن خبر در کوتاه‌ترین زمان، به راه‌های خوب نیاز وافر وجود داشت.

از کارکردهای راه‌ها، کارکرد اقتصادی بود که در پی آن، حاکمیت به یک منبع درآمد دست می‌یافت و زمینه‌های پیشرفت فعالیت‌های تجاری در کشور فراهم می‌شد و از طرف دیگر، راه‌های مناسب در عملیات نظامی و سرعت عمل سپاهیان مثمر ثمر بود و همچنین، رضایت عمومی و رونق سفرهای زیارتی را نیز در پی داشت.

در این پژوهش، علاوه بر بررسی وضعیت راه‌ها و نقش و کارکرد آن در زمینه رونق سفرهای زیارتی و به‌ویژه سفر حج، به تمهیدات دولتمردان صفوی در زمینه ایجاد امنیت راه‌های حج و پیگیری مطالبات زائران ایرانی از عثمانی‌ها (۶۹۹-۱۳۴۲ق) و حاکمان مناطق مسیر حج پرداخته می‌شود.

با وجود روابط خصمانه صفویان و عثمانیان، آنان در بیشتر ادوار، به‌ویژه دولت صفویه با علم به منافع سیاسی - مذهبی حج، نه تنها نسبت به این فریضه بی‌اعتنا نبودند، بلکه اهمیت موضوع حج برای صفویان سبب می‌شد که آنان در عهدنامه‌ها و قراردادهای امنیتی متعدد با دولت عثمانی، این موضوع را در نظر گرفته و بر حفظ امنیت حجاج ایرانی و مراقبت از آنان تأکید نمایند. در زمینه موضوع مقاله حاضر، پژوهشی مستقل به دست نیامد. در آثار پژوهشگرانی همچون رسول جعفریان و اسراء دوغان نیز تنها به معرفی راه‌های حج پرداخته شده و به جزئیات این موضوع اشاره نشده است. سفرنامه‌های به‌جای مانده از این دوره، مانند: سفرنامه‌های تاورنیه، کروسینسکی، شاردن و بانوی اصفهانی نیز هرکدام تنها به جنبه‌هایی خاص از موضوع پرداخته‌اند.





وضعیت راه‌ها در دوره صفوی

دوره صفویان، اوج توجه به راه و راه‌سازی در ایران پس از اسلام می‌باشد. پادشاهان صفوی، ضمن برقرارکردن امنیت نسبتاً پایدار در سرحدات و شبکه ارتباط کشور، تعمیر و احداث راه‌های متعدد در مسیرهای تجاری و زیارتی را در دستور کار خود قرار دادند.

شاه‌عباس صفوی (۹۹۶-۱۰۳۸ق)، اهتمام ویژه‌ای به امور راه‌ها و بناهای میان راه نشان داد و راه‌ها و کاروان‌سراهای متعددی ساخت که به راه‌ها و کاروان‌سراهای شاه‌عباسی معروف‌اند.^۱

در باب شیوه سفر و مسافرت در زمان صفویه، شکل کاروان‌ها، حرکت و اطراق و مسائل دیگر در سفرنامه‌های جهان‌گردان خارجی که آن زمان به ایران آمده‌اند، مطالب فراوانی ذکر شده است.^۲

در اهمیت کاروانی حرکت کردن، تاورنیه^۳ (د. ۱۶۸۹م) در سفرنامه خود می‌نویسد:

«در خاک ایران، امن‌ترین روش، مسافرت با کاروان است. کاروان، شبیه است به قطار ارابه و گاری مرکب از عده کثیری که در وقت و مکان معین جمع شده و ساعت معین با اجماع حرکت نمایند که بتوانند با دزدان قطاع‌الطریق مقاومت و مدافعه نمایند؛ زیرا در این راه‌ها که غالباً صحرا و بیابان خالی از سکنه است، دزدان گاهی با اجماع هجوم می‌آورند.»^۴

تشکیلات کاروان‌ها، بسیار منظم و باقاعده بوده است. ریاست و اداره کاروان، با کاروان‌سالار بود. «غالباً کاروان‌سالار ناچار بود در مرافعه‌هایی دخالت کند و آنها را حل و فصل نماید. باید طوری حرکت کند که با دزدان روبه‌رو نشود. از عبور از نقاطی که در آنجا امراض مسری شیوع داشت، احتراز نماید.»^۵

۱. باستانی پاریزی، سیاست و اقتصاد در عصر صفوی، ص ۱۰۲.

۲. تاورنیه، سفرنامه تاورنیه، ص ۱۲۳-۱۲۹؛ شاردن، دائرة المعارف تمدن ایران، مدخل «سیاحت‌نامه شاردن»، ج ۳، ص ۴۹؛ همان، ج ۴، ص ۵۶.

3. Baptiste Taverni.

۴. تاورنیه، سفرنامه تاورنیه، ص ۱۲۳-۱۲۴.

۵. سیرو، راه‌های باستانی ناحیه اصفهان و بناهای وابسته به آنها، ص ۶۹.



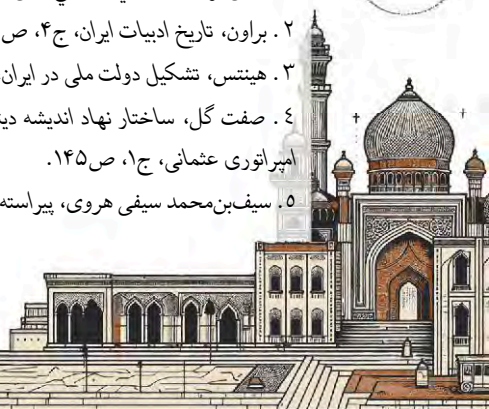
در تشکیلات کاروانی، معمولاً یک روحانی به نام «امام» وجود داشت. براند می‌گوید: «امام، نظارت بر جاده، تأیید معاملاتی که صورت می‌گرفت، اعلام دستورات روزمره و راهنمایی نمازگزاران که طبق سنت اسلام باید نماز را حذف نکنند و یا زودتر از موعد انجام ندهند، بر عهده داشت.»^۱

راه‌های حج در دوره صفوی و دشواری‌های هریک از آنها

صفویان، خود را مدافع تشیع مطرح می‌کردند^۲ و این موضوع، آنان را در نبرد با عثمانیان در غرب و ازبک‌ها (۹۰۵-۱۰۰۶ق) در شرق کمک می‌کرد. آنان با رسمیت بخشیدن به مذهب تشیع، تمایز آشکاری بین دولت عثمانی و خود فراهم کردند و به دولت خویش، هویت ارضی و سیاسی دادند.^۳ شاهان صفوی برای کسب مشروعیت و مقبولیت، از تمامی ابزارهای مشروعیت‌بخشی مانند: توجه به مقدسات و باورهای مذهبی، برپایی مراسم مذهبی و تشدید منازعات شیعه و سنی استفاده می‌کردند. آنان با اظهار علاقه و محبت عمیق به پیامبر ﷺ و ائمه اطهار^۴، گام‌های مؤثری در مدیریت افکار عمومی و کسب محبوبیت و مشروعیت برداشتند و در نتیجه، اعتماد و حمایت توده مردم را جلب کرده و با تشدید اختلافات مذهبی، به جنگ بین شیعه و سنی دامن می‌زدند^۵ و یکی از مهم‌ترین عرصه‌های این تقابل، موضوع حج بود.

با وجود اهمیتی که پادشاهان صفوی برای حج قائل بودند، اما هیچ‌کدام از آنان توفیق حج‌گزاری نیفتند. از مهم‌ترین دلایل حج نرفتن شاهان صفوی، دوری راه و احتمال شورش مخالفان و مدعیان سلطنت در نبود پادشاه و نیز اشتغال پادشاهان صفوی به نبرد با دشمنان خارجی از جمله عثمانی‌ها بود که فرصت حج‌گزاری را از آنان می‌گرفت؛^۶ به‌ویژه اینکه

۱. هیلن براند، معماری اسلامی، ص ۴۴۳.
۲. براون، تاریخ ادبیات ایران، ج ۴، ص ۵۲؛ رویمر، دوران صفویان، ص ۱۴.
۳. هینتس، تشکیل دولت ملی در ایران، ص ۲.
۴. صفت گل، ساختار نهاد اندیشه دینی در ایران عصر صفوی، ص ۱۶؛ روملو، احسن التواریخ، ص ۸۶؛ شاو، تاریخ امپراتوری عثمانی، ج ۱، ص ۱۴۵.
۵. سیف‌بن محمد سیفی هروی، پیراسته تاریخ‌نامه هرات، ص ۱۶۶؛ خلیلی عراقی، با من به خانه خدا بیایید، ص ۲۲۵.





سرزمین حجاز و حرمین شریفین و راه‌های حج، تحت سیطره و نظارت سلاطین عثمانی قرار داشت. شاهان صفوی، نه تنها خود به حج نرفتند، حتی در برخی سال‌ها به دلایل سیاسی - امنیتی و یا مشکلات اقتصادی، مانند: جلوگیری از خروج پول و سکه‌های طلا از کشور، کاهش هزینه‌ها و افزایش درآمد اقتصادی، عزیمت زوار ایرانی به حج را ممنوع اعلام می‌کردند.^۱

سفر حج ایرانیان، اگر برای صفویان توجیه اقتصادی هم نداشته باشد، اما از نظر سیاسی، فرهنگی و مذهبی سودآور بوده و به منافع دولت صفوی کمک می‌کرد.^۲ تأثیر معنوی سفرهای زیارتی، بسیار بود و به همین علت، دولت صفوی در هر زمان و موقعیتی، در عهدنامه‌ها و قراردادهایی که با دولت عثمانی منعقد می‌کرد، آن را در نظر می‌گرفت.^۳

با وجود همه مشکلاتی که در دوره صفوی برای حجاج شیعه در عزیمت به حج وجود داشت، باید توجه داشت که در این دوره، به ندرت راه حج مسدود می‌شده و در تمام این سال‌ها، زائران شیعه به حج مشرف می‌شدند. آنچه قابل توجه است، سیاست دولت صفوی در این باره است که در ادوار مختلف، قدری تفاوت می‌کرد.

پیداست که در موارد بسیار، به دلیل اشتغال شاهان به امور دیگر، ساماندهی حاجیان در قالب کاروان‌ها، زیر نظر پادشاه نبوده و کاروان حج نیز مانند دیگر کاروان‌ها، با جمع شدن خود مردم سامان می‌یافته است. سفر حج ایرانیان نیز در قالب کاروان‌های محلی صورت می‌گرفت. در این کاروان‌ها، معمولاً شماری از اهالی یک شهر و روستا گرد می‌آمدند و به راهنمایی یک ساربان و قافله‌دار که به آن «حمله‌دار» گفته می‌شد،^۴ راهی سرزمین حجاز می‌شدند.^۵

۱. ر.ک: کروسینسکی، سفرنامه کروسینسکی، ص ۲۵؛ اعتماد السلطنه، تاریخ منتظم ناصری، ج ۲، ص ۱۰۳۷.

۲. الوردی، لمحات الاجتماعية من تاریخ العراق، ج ۱، ص ۱۶۹.

۳. نوایی، اسناد و مکاتبات سیاسی ایران از سال ۱۰۳۸ تا ۱۱۰۵ق، ص ۳۰.

۴. دهخدا، لغتنامه، ج ۶، ص ۸۰۸۴.

۵. حمله‌داران، کسانی بودند که به سازمان‌دهی کاروان‌های حج در شهرهای ایران می‌پرداختند و راهنمایی حاجیان، تهیه محل اسکان، فراهم نمودن مرکب و مذاکره و ارتباط با حاکمان محلی را در برابر پولی که از حاجیان می‌گرفتند، بر عهده داشتند. (همان منبع پیشین)



مردم از شهرها و روستاهای پیرامون به این کاروان می‌پیوستند. یا با رسیدن کاروان به هریک از شهرها، دل‌بستگان حج با آن همراه می‌شدند. این کاروان‌ها، معمولاً با نظامیانی همراهی می‌شد تا در برابر راهزنان از حاجیان محافظت کنند.^۱ در کاروان‌های دولتی، معمولاً فردی به عنوان «امیرالحاج» که از بزرگان حکومت بود، انتخاب می‌شد.^۲ پادشاهان نیز چنانچه تصمیم به آماده‌سازی و راهی کردن کاروان حج می‌گرفتند، جارچیان را به سراسر مملکت می‌فرستادند و اعلان می‌کردند که پادشاه قصد دارد کاروان حج را با سازوبرگ راهی حجاز کند و هرکس می‌خواهد، می‌تواند خود را آماده سفر نماید. منشیان نیز نامه‌هایی به والیان شهرها می‌فرستادند و این موضوع را خبر می‌دادند. معمولاً این‌گونه دستورها با این وعده همراه بود که به فرمان پادشاه، والیان و راهداران، از حاجیان هیچ مالیات و باج و خراج نخواهند گرفت.^۳ آماده‌سازی و راه‌اندازی کاروان‌های حج و بازگشایی راه آن، برای پادشاهان مایه فخر و نشانه‌ای از اسلام‌دوستی و وسیله کسب مشروعیت بود. حضور بزرگان حکومت در کاروان حج، برای حاجیان نعمت‌های بسیار داشت. بزرگان دولت، به بهبود وضع حاجیان می‌پرداختند و به شکایات و نارضایتی‌های مردم رسیدگی می‌کردند.^۴ نیز به دلیل حضور آنان، امکانات امنیتی بهتری آماده می‌شد و همچنین، حکمرانان سرزمین‌های مسیر راه، به کاروانیان احترام بیشتری می‌نهادند.^۵ حکمرانان همچنین در تسهیل کارهای حاجیان و کاستن از بار مالیات‌ها و مشکلات کاروان‌های حج و نیز در مبارزه با راهزنان می‌کوشیدند.^۶

می‌توان گفت مهم‌ترین نگرانی حجاج، تعیین مسیر عزیمت به حج بود و آنان قبل از عزیمت و در اثنای سفر، تلاش می‌کردند تا اطلاعاتی در باره مسیرها کسب کنند؛ چراکه بیشترین دشواری‌ها و مصائب سفر، در طی مسیر رخ می‌داد. این مشکلات، افزون بر مشکلات طبیعی و جغرافیایی، ناشی از آزار و اذیت راهزنان و ساکنان اعرابی مسیر بود.

۱. جعفر الخياط، مكة في المراجع الغربية، ص ۲۶۴.

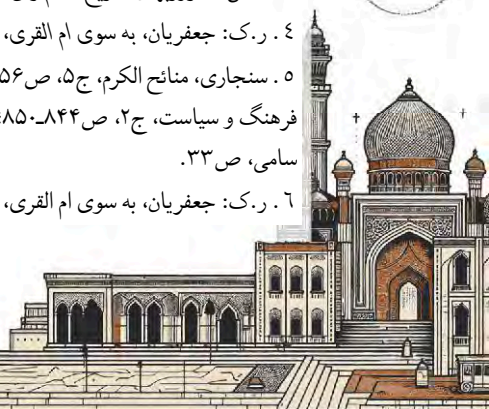
۲. بانوی اصفهانی، سفرنامه منظوم حج، ص ۴۵-۳۶.

۳. فضل‌الله روزبهان، تاریخ عالم‌آرای امینی، ص ۲۲۲-۲۲۴.

۴. ر.ک: جعفریان، به سوی ام القری، ص ۲۴۰؛ همو، مقالات تاریخی، دفتر ۸، ص ۲۱۰-۲۱۲.

۵. سنجاری، منافع الکرّم، ج ۵، ص ۲۵۶ و ۲۶۵؛ خاتون‌آبادی، وقایع السنین، ص ۵۵۳؛ جعفریان، صفویه در عرصه دین، فرهنگ و سیاست، ج ۲، ص ۸۴۴-۸۵۰؛ حسینی قمی، خلاصة التواریخ، ج ۱، ص ۳۱۳، ۴۴۰ و ۸۱۱؛ صفوی، تذکرة تحفه سامی، ص ۳۳.

۶. ر.ک: جعفریان، به سوی ام القری، ص ۲۴۰؛ همو، مقالات تاریخی، دفتر ۸، ص ۲۱۰-۲۱۲.





همچنین، رویارویی زائران عجم شیعه با حجاج سنی و ساکنان عرب آن نواحی، دشواری‌هایی را پدید می‌آورد. این دشواری‌ها گاه چنان تصویر سختی از سفر حج به دست می‌داد که در برخی سال‌ها انجام آن، کاری نامعقول می‌نمود.^۱

در این دوران، برای عزیمت ایرانیان به حج، چهار مسیر اصلی وجود داشت که قسمت عمده این راه‌ها، در محدوده قلمرو عثمانیان و تحت سیطره آنان بود:

۱. راه عراق؛ ۲. راه آناتولی (استانبول)؛ ۳. راه دریایی جنوب؛ ۴. راه شام.
- در ادامه، به اختصار به معرفی هرکدام از این راه‌ها و دشواری‌های هر یک از آنها می‌پردازیم.

الف. راه شام

مسیر غالب زائران ایرانی برای عزیمت به حج، رفتن به سوی حلب و شام و از آنجا به مدینه بود. این مسیر می‌توانست از طریق تبریز به سرزمین‌های عثمانی و از آنجا به طرف جنوب باشد؛ چنان‌که ممکن بود از راه بغداد به سمت شمال عراق و از آنجا در حاشیه فرات به سوی شام باشد. حجاج ایران، عراق و بلاد شام، در دمشق گرد هم می‌آمدند و از راه زرقا، قَطْرانه، مَعان و تَبوک به مدینه رفته و از آنجا راهی مکه می‌شدند.^۲ یک زائر اصفهانی، در اواخر دوره صفوی، این منازل را برای رفتن به مدینه طی کرده و به همراه کاروان یا به اصطلاح محمل شام که بزرگ‌ترین کاروان حج در آن زمان بود، به جانب مدینه رفته است. این راه به دلیل آبادی، از نظر آب و آذوقه، دشواری کمتری داشت؛ اما بسیار دور بود و زحمت بسیار و مخارج بی‌شمار بر زائرین تحمیل می‌شد.^۳

مهم‌ترین امتیاز راه شام، آن بود که زائر عجم و شیعه همراه قافله و محمل شامی که امیرالحاج دولت عثمانی نیز با آن بود، به حج می‌رفت و به این ترتیب، به دلیل جمعیت زیاد این کاروان و محافظان بسیار آن، در امنیت کامل بود. همچنین، انتخاب راه شام این توفیق را نصیب زائر می‌کرد تا در دمشق نیز به زیارت قبور و اماکن متبرکه آنجا برود. شیخ علی عاملی (د. ۹۸۴ق) و شیخ حرّ عاملی (د. ۱۱۰۴ق) که از این مسیر به حج رفته‌اند، آن را توصیف کرده‌اند.^۴

۱. سعد راشد، درب زبیده طریق الحج من الکوفة إلى مكة المكرمة، ص ۹۸-۹۹.

۲. دوغان، تاریخ حج گزاری ایرانیان، ص ۱۷۴.

۳. عبدالغنی، الحقیقة والمجاز فی رحلة بلاد الشام ومصر والحجاز، ج ۳، ص ۳۸۷-۳۸۹.

۴. جعفریان، مقالات تاریخی، دفتر ۱۲، «چند گزارش از سفرهای حج دوره صفوی»، ص ۲۶۵.





ب. راه عراق

کهن‌ترین و مهم‌ترین راه حج برای زائرین ایرانی، راه عراق بود که به نام: درب زبیده، راه کوفه، راه نجد و راه جبل نیز شناخته شده است.^۱ زائرانی که این راه را برمی‌گزیدند، از بغداد به کوفه و از آنجا به جنوب عراق می‌رفتند و با عبور از صحرای نفود و نجد و گذر از منازلی مانند: قادیسیه، عُدَیب، مَغِیْثَه، زُبَالَه، تَعْلَبِیَّه، فَیْد، حَاجِر و مَعْدَنُ النَّقْرَه، به حجاز می‌رسیدند و به مدینه یا مکه می‌رفتند.^۲ راه دیگر که از عراق به مکه می‌رفت، راه بصره بود. این راه، از بصره آغاز می‌شد و در معدن النقره به راه کوفه می‌پیوست.^۳ راه عراق، برای حاجی ایرانی، کوتاه‌ترین راه بود. وضعیت بد آب‌وهوایی و کمبود آب و وقوع طوفان در برخی سال‌ها، باعث توقف کاروان حج یا کشته شدن بسیاری از حاجیان می‌شد.^۴ حمله راهزنان و قبایل عرب به کاروان حاجیان، مشکل دیگر مسافران مکه در راه عراق بود. این راهزنان با حمله به کاروان حاجیان، گاه به کشتار و غارت می‌پرداختند و گاه در ازای دریافت اموال کاروانیان، به آنان اجازه بازگشت یا ادامه مسیر می‌دادند. گاهی قدرت‌نمایی این بادیه‌نشینان چنان بالا می‌گرفت که سفر حج را به تعطیلی می‌کشاند.^۵ با فراگیری مذهب تشیع در دوره صفوی، راه عراق به دلیل وجود مزارهای امامان شیعه علیهم‌السلام در عتبات، برای ایرانیان اهمیتی بیشتر یافت. در این دوران، هرچند راه عراق نیز زیر سلطه دولت عثمانی قرار داشت، اما حکومت عثمانی بر سرزمین‌های جنوب عراق نظارت کامل نداشت و این سرزمین‌ها معمولاً شاهد قدرت یافتن قبایل عرب بود.^۶ نامنی، گرفتن مالیات فراوان از حاجیان در طول مسیر و معطل کردن آنان به بهانه‌های گوناگون، باعث می‌شد گاه عبور کاروان‌های حج از این مسیر، از سوی شاهان ایران

۱. ر.ک: ابن اثیر، الكامل، ج ۸، ص ۱۴۷؛ سعد الراشد، درب زبیده طریق الحج من الکوفه إلى مكة المكرمة، ص ۶۵؛ ر.ک: فسالی، فارسنامه ناصری، ج ۱، ص ۷۱.
۲. ابن خردادبه، المسالك والممالک، ص ۱۲۷-۱۲۵؛ ابن فقیه، البلدان، ص ۱۵۰؛ ابن جبیر، الرحلة، ص ۱۶۲-۱۶۳.
۳. ابن خردادبه، المسالك والممالک، ص ۱۴۶-۱۴۷؛ مقدسی، احسن التقاسیم، ج ۱، ص ۳۶۱؛ حافظ ابرو، جغرافیای حافظ ابرو، ج ۱، ص ۲۳۲.
۴. ابن اثیر، الكامل، ج ۷، ص ۳۴؛ همان، ج ۹، ص ۲۰۵؛ سعد الراشد، درب زبیده طریق الحج من الکوفه إلى مكة المكرمة، ص ۹۹-۱۰۰.
۵. سعد الراشد، درب زبیده طریق الحج من الکوفه إلى مكة المكرمة، ص ۹۱-۹۸.
۶. شاردن، دائرة المعارف تمدن ایران، مدخل «سیاحت‌نامه شاردن»، ج ۲، ص ۶۱۶؛ ر.ک: سیستانی، احیاء الملوک، ص ۴۷۹؛ جعفریان، مقالات تاریخی، دفتر ۱۱، ص ۶۸-۶۲.





ممنوع شود.^۱ در نامه‌ای که شاه‌عباس دوم به شریف مکه نوشت، به منع حاجیان برای عبور از راه بصره و بازگشایی راه حج وابسته به تعهد حاکم بصره و شریف مکه به برقراری امنیت در طول مسیر، اشاره شده است.^۲ مسافران زیر نظر شخصی که از سوی او به‌عنوان امیرالحاج تعیین می‌شد، سفر می‌کردند.^۳ به دلیل مشکلات و خطرات عدیده‌ای که در راه جبل وجود داشت، این راه بدترین راه حج شناخته می‌شد. حاکمان این مسیر که به درآمد سفر حاجیان نیاز داشتند، چه بسا خدماتی به حاجیان ارائه می‌نمودند و برای لغو ممنوعیت، با صفویان مذاکره می‌کردند.^۴

زائران با انتخاب این مسیر، وقت کمتری را برای سفر صرف می‌کردند و همچنین، هزینه کمتری را برای حج‌گزاری خویش پرداخت می‌نمودند. بنابراین، بیشتر اقشار جامعه، این راه را انتخاب می‌کردند.

راه عراق، تنها راه حجاجی است که از سال ۹۱۴ق که شاه‌اسماعیل صفوی بغداد را فتح کرد، تا سال ۹۴۱ق و همچنین از سال ۱۰۳۳ق تا سال ۱۰۴۹ق، در دوره شاه‌عباس و شاه‌صفی (۱۰۳۸-۱۰۵۲ق)، جزو متصرفات ایران بود و در این سال‌ها، عزیمت حجاج ایرانی از راه عراق، از امنیت و رونق بیشتری برخوردار بود.^۵

ج. راه آناتولی (مسیر استانبول)

این مسیر، از وان^۶ به طرف وسط غرب آناتولی به حلب و مسیر رسمی شام به مکه بود. حجاجی که از داخل آناتولی و از مسیر فوق و سایر راه‌های غیررسمی به سمت شام می‌رفتند، امنیت و تضمین لازم را از طرف دولت عثمانی دریافت نمی‌کردند؛ زیرا عثمانی‌ها فقط مسیر رسمی حج را تحت‌الحمايه خود داشتند و این مسیر، از طرف دولت عثمانی، به‌عنوان مسیر

۱. کروسینسکی، سفرنامه کروسینسکی، ص ۲۵؛ اعتماد السلطنه، تاریخ منتظم ناصری، ج ۲، ص ۱۰۳۷.
۲. شاردن، دائرة المعارف تمدن ایران، مدخل «سیاحت‌نامه شاردن»، ج ۲، ص ۶۱۶؛ جعفریان، مقالات تاریخی، دفتر ۱۱، ص ۶۸-۶۲.
۳. جعفریان، مقالات تاریخی، دفتر ۸، ص ۱۸۷.
۴. همان، دفتر ۹، ص ۱۶.
۵. ر.ک: ترکمان، تاریخ عالم‌آرای عباسی، ج ۳، ص ۹۹۸-۹۹۹.
۶. بزرگ‌ترین شهر در شرق ترکیه که از شمال و غرب به دریاچه وان، از شرق به کوه‌های مرتفع سیاه‌کوه و اِرک، و از جنوب به کوه آرتوس چسبیده است.

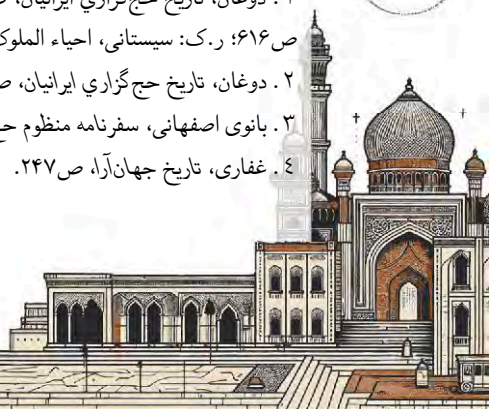


حج شناخته نمی‌شد.^۱ سیر رسمی آناتولی، از استانبول آغاز و به اسکودار، ازنیق، قونیه، آدانا، طرسوس و حلب منتهی می‌شد.^۲ حجاج ایرانی می‌توانستند از مسیرهای مختلف اصلی یا فرعی، خود را به استانبول رسانده و از آنجا با کاروان‌های حجاج دیگر کشورها و تحت‌الحمایه عثمانی‌ها عازم حج شوند؛ هرچند این راه نیز دشواری‌های خاص خود را داشت. بانویی اصفهانی که در فاصله سال‌های ۱۱۰۰ تا ۱۱۳۴ق از این راه عازم حج شده، در کتاب سفرنامه منظوم خود خطرات موجود در این راه را ذکر کرده است. او در کتاب خود، حمله رومیان به کاروان خویش را ذکر کرده و درگیری‌های عجم‌های شیعه با حجاج سنی و مشکلات مسیر و سختی‌های گذر از کنار رود فرات تا حلب را شرح داده است.^۳ این امر، نشان می‌دهد که در آن دوره، مسیر آناتولی، برای حجاج ایرانی امنیت لازم را نداشته است.

راهپیمایی کاروان در کنار مسیر فرات و سختی‌های گذر از رود، دشواری‌های سفر با شتر، باریکی راه و اذیت‌های موجود در این مسیر را می‌توان از زبان این بانو دریافت. علاوه بر این، مشکلاتی از قبیل: بیماری، کمبود آب و آذوقه و شرایط بد جوی، غارتگری راهزنان و ساکنان اعرابی و حتی قتل حجاج ایرانی در این مسیر، بارها گزارش شده است؛ از جمله شاه‌قلی بابا تکه‌ای (د. ۹۱۷ق) و همراهانش که در فرار به سمت ایران، به جهت درگیری با دولت عثمانی، در سر راه خود یک کاروان ایرانی را که از ارزروم به حجاز می‌رفت، مورد تاخت‌وتاز و چپاول قرار دادند و تمام افراد آن، به‌ویژه شیخ ابراهیم شبستری (د. ۹۱۵ یا ۹۱۷ق)، مؤلف «انبیانامه» را به قتل رساندند. از این رو، در ورود به ایران، از طرف شاه‌اسماعیل (۹۰۷-۹۳۰ق) مورد سرزنش قرار گرفته، مجازات شدند.^۴

حجاج ایرانی که عازم مکه بودند، گاه برای رسیدن به دریای سیاه، از مسیر بیابان استفاده می‌کردند.^۵ این مسیر، با گذر از شمال دریای خزر و بیابان‌های موجود در راه، به دریای سیاه متصل می‌شد. مسیر مذکور، همان بوده که حجاج ترکستان در رفتن به مکه

۱. دوغان، تاریخ حج‌گزاری ایرانیان، ص ۱۶۹؛ شاردن، دائرة المعارف تمدن ایران، مدخل «سیاحت‌نامه شاردن»، ج ۲، ص ۶۱۶؛ ر.ک: سیستانی، اعیان الملوک، ص ۴۷۹؛ جعفریان، مقالات تاریخی، دفتر ۱۱، ص ۶۸۶۲.
۲. دوغان، تاریخ حج‌گزاری ایرانیان، ص ۱۶۹.
۳. بانوی اصفهانی، سفرنامه منظوم حج، ص ۵۱.
۴. غفاری، تاریخ جهان‌آرا، ص ۲۴۷.





استفاده می‌کردند.^۱ با توجه به اینکه حجاج این مسیر بسیار اندک بوده‌اند، به نظر می‌رسد در زمان وخامت روابط میان صفویان و عثمانی‌ها و بسته بودن یا نبود امنیت در دیگر مسیرها، برخی از حجاج ایران، به‌ویژه حجاج خراسان بزرگ نیز همانند حجاج ترکستان، از این طریق به راه افتاده، پس از عبور از بیابان‌های مسیر، به دریای خزر می‌رسیدند. آنان در آستاراخان اتراق کرده، سپس به بنادر عثمانی در شمال دریای سیاه آمده و برای ملحق شدن به کاروان‌های حج، به استانبول می‌رفتند.^۲

د. راه دریایی جنوب

یکی از مهم‌ترین مسیرهای حج ایرانیان، به‌ویژه حجاج مناطق شرقی، مرکزی و جنوب ایران، مسیر دریا بود. در این مسیر، حجاج از طریق بنادر جنوب ایران و با کشتی، از خلیج فارس به دریای عمان و اقیانوس هند و سپس به سواحل یمن می‌رفتند و با عبور از تنگه باب المندب، وارد دریای سرخ می‌شدند و در بندر جدّه لنگر می‌انداختند و از آنجا عازم مکه می‌شدند. محمدسعید مشیزی^۳ که در سال ۱۰۸۹ق به حج رفت، از کرمان حرکت کرده و به بندر کنگ^۴ رسید. از آنجا داخل یکی از بنادر حجاز به نام بندر قنّفذه شده و به مکه رفت.^۵ در سال ۱۱۱۵ق، میرزا ربیع مستوفی^۶ از راه بندر کنگ، عازم حجاز گشت.^۷

گاهی نیز بعضی از حجاج ایرانی که عموماً از سیاحان و علما بودند، مسیر هند را برای رفتن به مکه ترجیح می‌دادند. آنها با حرکت از این مسیر به قصد حج، راه را طولانی می‌کردند و با گذر از این راه، با علما و دانشمندان هندوستان نیز ملاقات می‌کردند و اماکن مهم هند را بازدید می‌نمودند و سپس، با ایرانیان مقیم هندوستان و سایرین، از طریق دریا عازم سرزمین حجاز می‌شدند.^۸

1. Alpagu, 2014, p. 403.

۲. سباعی، تاریخ مکه، ج ۱، ص ۲۵۲.

۳. از فضلا و بزرگان عصر صفویه و اهل کرمان و صاحب کتاب تذکره صفویه است.

۴. بندر کنگ، یکی از قدیمی‌ترین بندرهای ایران و استان هرمزگان است و در آن دوره، بندری بود که ایرانیان از آن برای عزیمت به حجاز استفاده می‌کردند.

۵. جعفریان، مقالات تاریخی، دفتر ۱۱، ص ۲۷۱.

۶. از بزرگان و صاحب‌منصبان عصر صفوی است.

۷. خاتون‌آبادی، وقایع السنین والأعوام، ص ۱۱۵.

۸. جعفریان، مقالات تاریخی، دفتر ۱۲، ص ۲۷۱.



دشواری سفر با کشتی برای زائرانی که با آن آشنا نبوده و عادت به کشتی‌سواری و دریا نداشتند، دردسرهای زیادی را به همراه داشت. تلاطم دریا و ترس و اضطراب، گرم‌زدگی، آفتاب‌زدگی، تهوع، کم‌اشتهایی، کم‌خوابی و...، از عوارض سفر دریایی بود. کمبود امکانات رفاهی، کثیف بودن کشتی‌ها و بدرفتاری کارکنان کشتی‌ها با مسافران نیز از دیگر مشکلات سفر با کشتی بود. یکی از دشوارترین کارها، سوار و پیاده شدن از کشتی برای قرنطینه بود که با وجود شلوغی بیش از حد و سوارشدن بیش از ظرفیت کشتی، تحمل‌ناپذیر بوده است. به علاوه، این شلوغی سبب می‌شد که افراد در کشتی، جایی برای نشستن پیدا نکرده و طی سفر گرفتار عذاب مضاعف شوند.^۱ زائران ایرانی شیعه در این مسیر، باید از برابر منطقه *یَلْمَلَم*^۲ و به عبارتی، *جُحْفَه*^۳ محرم شوند. شناخت این محل، دشواری خاصی داشت که تنها افراد خیره و آگاه به مسیر می‌توانستند محل آن را تشخیص دهند. از دیگر دشواری‌های این راه، معطلی‌های فراوانی بود که مسافران در این بنادر، در رفت و برگشت از جده می‌بایست تحمل می‌کردند تا کشتی از راه برسد.

اقدامات صفویان در ایجاد امنیت راه‌ها

۱. گماردن راهداران

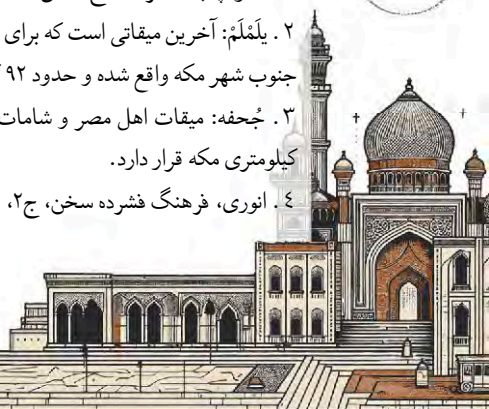
در دوره صفویه، برقراری امنیت در جاده‌ها، از اولویت‌های اصلی حکومت برای رونق سفرهای تجاری و زیارتی محسوب می‌شد. تمام تلاش حاکمان صفوی، کنترل و تسلط بر راه‌های ارتباطی کشور بوده است. لازمه این امر، داشتن ارتش منظم و گسترده‌ای بود تا همه چیز را کنترل کند. در این دوره، تأمین امنیت راه‌های ایران در مقابل راهزنان، عمدتاً در دست سربازان محلی به نام «قراسواران» بود. واژه ترکی قراسواران، به معنای «سپاهی رونده» یا «سرباز در حرکت» به معنای «راهداری غیرنظامی» که وظیفه آنها محافظت از راه‌ها و راهداری‌ها بود.^۴ این عده که معمولاً از میان عشایر و افراد محلی انتخاب می‌شدند، به حفظ

۱. همو، پنجاه سفرنامه، ج ۲، ص ۴۷۶-۴۷۹؛ همان، ج ۸، ص ۳۰؛ همان، ج ۴، ص ۴۲۰.

۲. *یَلْمَلَم*: آخرین میقاتی است که برای اهل یمن و کسانی که از آن طریق عبور می‌کنند، معین شده است. این میقات، در جنوب شهر مکه واقع شده و حدود ۹۲ کیلومتر با آن فاصله دارد.

۳. *جُحْفَه*: میقات اهل مصر و شامات و کسانی که از آن مسیر به سوی مکه می‌روند است. این میقات، حدود ۱۸۳ کیلومتری مکه قرار دارد.

۴. انوری، فرهنگ فشرده سخن، ج ۲، ص ۱۷۰۷.





امنیت راه‌های پُرخطر همت می‌گماشتند.^۱ شاه‌عباس (۹۹۶-۱۰۳۸ق) به منظور تأمین امنیت راه‌ها، قراسواران بسیاری به خدمت گرفته بود. کمپفر (د. ۱۷۱۶م) در این باره می‌نویسد:

«راهداران برای اولین بار از طرف شاه‌عباس اول برای برقراری امنیت جاده‌ها و عبور و مرور به کار منصوب گردیدند تا دزدان را کشف کنند. سرانجام در نیمه دوم عصر صفویه، راهداری را به راهدارها اجاره دادند و برحسب موقع محلی، تعدادی از راهداران را تحت فرمان یک رئیس درآوردند.»^۲

دیگر سیاحان اروپایی نیز که در این دوره به ایران آمده‌اند، از نظم و امنیت کامل راه‌های ایران در سفرنامه‌های خود سخن گفته‌اند. اولتاریوس (د. ۱۶۷۱م) تأکید می‌کند: «علاوه بر وجود امنیت در راه‌های ایران، ادب و نزاکت مأموران و راهداران ایرانی به مراتب بهتر از هم‌تایان روسی آنها بوده است.»^۳

تاورنیه نیز از سرعت کشف اموال مسروقه در بین راه‌ها یا کاروان‌سراها که توسط راهداران صورت گرفته بود، سخن گفته و آنان را مورد تمجید و تحسین قرار داده است.^۴ سیوری^۵ می‌گوید:

«راهداران دستور داشتند هرکس را تنها و از جاده‌های پرت سفر می‌کند و برای آنها کاملاً ناشناخته است، متوقف سازند؛ زیرا امکان داشت به جرم دزدی، تحت تعقیب باشد. بسیاری از مسافران از پیدا شدن سریع اثاثیه‌شان که در کاروان‌سراها به سرقت رفته بود، سخن رانده‌اند. مجازات معمول برای دزدان دستگیرشده، مرگ بود.»^۶

از زمان شاه‌سلیمان (۱۰۷۷-۱۱۰۵ق) و شاه‌حسین (۱۱۰۵-۱۱۳۵ق)، کم‌کم قصوری در تأمین امنیت راه‌ها رخ داد. راهداران در تأمین امنیت راه‌ها، بسیار سهل‌انگاری می‌کردند و مقررات و قوانین را مورد سوءاستفاده شخصی قرار می‌دادند.^۷

۱. همان.

۲. کمپفر، سفرنامه کمپفر به ایران، ص ۱۴۶-۱۵۱.

۳. اولتاریوس، سفرنامه اولتاریوس، ص ۸۱۲.

۴. تاورنیه، سفرنامه تاورنیه، ص ۳۰۸.

5. Savory, Roger.

۶. سیوری، ایران عصر صفوی، ص ۱۹۰.

۷. سانسون، سفرنامه سانسون، ص ۱۲۵.





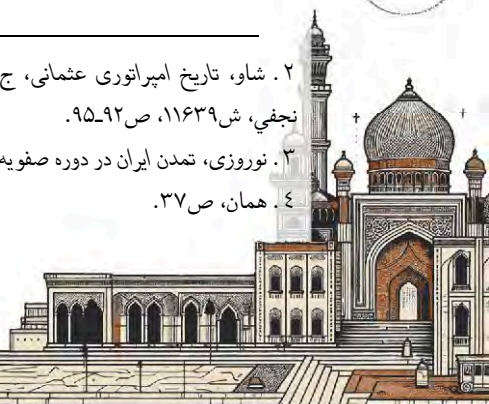
۲. تعامل صفویان با دولت عثمانی در باره امنیت مسیر حج

توجه به مسائل جاسوسی و نظارت بر رفت و آمدها، بر روی سفر حج تأثیر بدی می گذاشت و مشکلاتی را برای زائران ایرانی پدید می آورد. در هنگام بروز جنگ میان دو دولت صفوی و عثمانی نیز حجاج ایرانی نمی توانستند به حج بروند. در زمان صلح نیز با کنترل و نظارت شدید، راهی حج می شدند. از این رو، پادشاهان صفوی در معاهدات خود با دولت عثمانی، بر امنیت راهها و تأمین جانی و مالی زائران و حجاج ایرانی و در نظر گرفتن امکانات برای آنان تأکید می کردند.^۱

منطقه حجاز، زیر نظر امپراتوری عثمانی بود و مسئله حج گزاری ایرانیان، به روابط سیاسی دو دولت ارتباط داشت. به همین دلیل، در قراردادهایی که مابین آنها امضا می شد، مانند: قرارداد صلح آماسیه در ۹۶۲ق، قرارداد دوم استانبول در ۱۰۲۲ق، عهدنامه زهاب در ۱۰۴۹ق و یا در نامه ها مانند: نامه شاه عباس دوم به شریف مکه و نامه سلطان حسین به صدراعظم عثمانی، ابراهیم پاشا و نامه پاشای بصره به سلطان سلیمان صفوی، به مسئله حج و زیارت توجه می شد و اصل یا اصولی را به امر حج و زیارت اختصاص می دادند.^۲

برای حکومت صفوی، امنیت راهها اهمیت فراوانی داشت. حکام ولایتها، مسئول برقراری امنیت راهها بودند. آنها برای انجام این کار، هر بخش را به مأموران مخصوص می سپردند. هرگاه مالی از مسافران ربوده می شد، حاکم آن ناحیه موظف بود که اموال به سرقت رفته را پیدا کند. در غیر این صورت، خود باید معادل قیمت اموال را به صاحب آن می پرداخت.^۳ برای تأمین هزینه حفاظت از راهها، مبلغی به عنوان مالیات راهداری گرفته می شد. راهداران، در مکانهایی مستقر می شدند که کسی نتواند از پرداخت مالیات شانه خالی کند؛ مثل محل عبور از رودخانه. به جهت امنیت راهها، بسیاری از کاروانها بارضایت مالیات راهداری را می پرداختند.^۴ ناگفته نماند که تمرکز قدرت و امنیت حاصل از آن نیز بر افزایش سفرهای زیارتی بی تأثیر نبود؛ زیرا به تبع آن، راهها امن شد و قاطعان طریق سرکوب شده یا از ترس حکومت مرکزی آرام گرفتند.

۲. شاول، تاریخ امپراتوری عثمانی، ج ۱، ص ۱۹۷؛ نامه شاه عباس دوم به شریف مکه، نسخه خطی کتابخانه مرعشی نجفی، ش ۱۱۶۳۹، ص ۹۲-۹۵.
 ۳. نوروزی، تمدن ایران در دوره صفویه، ص ۳۶.
 ۴. همان، ص ۳۷.





از نظر برقراری امنیت در جاده‌ها، در تاریخ عالم‌آرای عباسی آمده:

«برای تأمین امنیت راه‌ها، مأموران ولایات مسئول بودند. ابتدا تحقیق کردند که در هر ولایتی، معظم قاطعان طریق چه جماعت‌اند، همت بر فنا و اعدام این طبقه گماشتند، در اندک زمانی اکثر سردمداران این گروه را به حُسن سعی و تدبیر به دست آوردند. بعضی به مسلک انقیاد و فرمان‌پذیری درآمدند. برخی دیگر را بی‌ملاحظه به شحنه سیاست سپرده، خلائق را از شر آن طایفه آسودگی بخشیدند.»^۱

گزارش تاورنیه چنین است:

«برای امنیت طرق و شوارع در ایران، اهتمام فراوان می‌ورزند. در فاصله‌های معین، مستحفظین که موسوم به راهدار هستند، گماشته‌اند که به اندک صدای دزد، به کمک می‌رسند و به‌دقت از عابرین می‌پرسند که از کجا می‌آیند؟ به کجا می‌روند؟ کمال مراقبت و هوشیاری را در کار خود دارند و اگر کسی از عهده جواب برنیاید و به گفتارش سوءظن باشد، او را نزد حاکم ولایت می‌برند و در آنجا به‌دقت از حال او تحقیقاتی به عمل می‌آورند. راهداران، موجب کافی ندارند. به این جهت، مجبورند که با کمال ادب، از تجار انعامی درخواست نمایند.»^۲

شاردن^۳ (د. ۱۷۱۳م) در تأیید امنیت راه‌های ایران در این دوره می‌نویسد:

«به‌رغم آنچه که گفتم، در تمام جهان کشوری مانند ایران برای سیاحت و جهانگردی وجود ندارد؛ خواه از لحاظ قلت خطرات و یا امنیت طرق که مواظبت دقیقی در این مورد به عمل می‌آید و خواه از نظر کمی مخارج که معلول کثرت و تعداد عمارت عمومی مخصوص مسافران در سرتاسر امپراطوری، در بلاد و بیابان است.»^۴

در دوره شاه‌اسماعیل (۹۰۷-۹۳۰ق) که دوره گسترش و فراگیر شدن تشیع بود و تنش‌های سیاسی - مذهبی در شدیدترین وضع خودنمایی می‌کرد، رفت‌وآمد حجاج ایرانی با بدگمانی شدید عثمانی‌ها همراه بود. عثمانی‌ها بر این باور بودند که حجاج شیعی ایرانی، ممکن است با هدف جاسوسی و یا برای ترویج عقاید خود وارد قلمرو عثمانی شوند و در مسیر حرکت

۱. ترکمان، تاریخ عالم‌آرای عباسی، ج ۱، ص ۴۶۵.

۲. تاورنیه، سفرنامه تاورنیه، ص ۶۱۰.

3. Jean Chardin.

۴. شاردن، دائرة المعارف تمدن ایران، مدخل «سیاحت‌نامه شاردن»، ص ۱۷۰.



خود از شام تا ورود به مکه و مدینه، در صدد تبلیغ برای قزلباشان برآیند. بنابراین، کنترل و سختگیری‌های شدیدی علیه شیعیان اعمال می‌کردند.^۱

در دوره حکومت شاه‌طهماسب صفوی (۹۳۰-۹۸۴ق) که هم‌زمان با سلطنت سلیمان عثمانی (۹۲۵-۹۷۳ق) بود، در نتیجه جنگ‌هایی که میان طرفین رخ داد، راه حج ایرانیان برای مدتی مسدود شد؛ اما با قرارداد صلح آماسیه،^۲ در قبال تعهداتی که شاه‌طهماسب داد، سلطان سلیمان نیز متعهد شد که شرایط زیارت اماکن مقدسه را برای شیعیان فراهم نماید و دستورات زیارت حج، بر اهالی عجم مباح، و به اجرای قوانین مذهبی خود در آن سفر مجاز بوده و کسی متعرض آنان نشود و نیز حکام ولایات مرزی موظف شدند که در طول مسیر حج، زائران را محافظت و نگهداری نمایند.^۳ در نتیجه این صلح که سبب حُسن روابط میان دو دولت شده بود، برای چندین سال، شرایط حج‌گزاری ایرانیان را تسهیل نمود.

در عهد شاه‌عباس اول، سفر ایرانیان با دشواری مواجه شد. یک جهت این مشکل، از آن رو بود که در دوره حکومت وی، بغداد توسط ایرانیان تصرف شد و در مقابل، عثمانی‌ها اعلام کردند که ایرانیان حق آمدن به حج را ندارند.^۴ علاوه بر آن، رفتن تعداد زیادی از ایرانیان به حج، باعث ریخته شدن پول ایرانیان به جیب عثمانی‌ها بوده و به همین دلیل، شاه‌عباس کوشید تا از تعداد زائران ایرانی کاهش دهد.

کروسینسکی^۵ (د. ۱۷۵۵م) می‌نویسد:

«در زمان شاه‌عباس ماضی بنا گذاشتند و قدغن کردند که باید زر نقد از ایران بیرون نرود و به‌جای زیارت حج، به زیارت قبور ائمه علیهم‌السلام و سایر مقابر روند و هرکس آرزوی زیارت کعبه داشت، می‌باید مبلغ خطیر به پادشاه پیشکش کند و اذن حاصل نماید و ضرری بیشتر از سفر حج نبوده است.»^۶

۱. جعفریان، سیاست و فرهنگ روزگار صفوی، ج ۱، ص ۳۴؛ همو، صفویه در عرصه دین، فرهنگ و سیاست، ج ۲، ص ۸۲۸.
۲. نام پیمانی است که بین شاه‌طهماسب صفوی و سلطان سلیمان اول در سال ۱۵۵۵م و در شهر آماسیه بسته شد. این پیمان، با مشخص کردن مرز ایران و عثمانی، پایانی بر جنگ‌های درازمدت دو کشور بود.
۳. نوایی، شاه‌طهماسب صفوی: مجموعه اسناد و مکاتبات تاریخی، ص ۲۶۴.
۴. سباعی، تاریخ مکه، ص ۴۳۶.

5. tadox yoda Krasinski.

۶. کروسینسکی، سفرنامه کروسینسکی، ص ۲۵.





در سفرنامه عیاشی (د. ۴۸۲ق) به باج‌گیری اعراب و دولت عثمانی از زائران ایرانی اشاره شده است.^۱ دوسرسو^۲ (د. ۱۷۳۰م) نیز در باره سیاست شاه‌عباس می‌گوید:

«شاه عباس دانست که فریضه حج باعث خروج مبالغ هنگفتی طلا از کشور می‌شود؛ جز هزینه راه دور، مالیات و باج‌گیری‌های دولت عثمانی و اعراب میان راه، مبالغ هنگفتی از کشور خارج کرد.»^۳

گفتنی است که ممانعت از حج در دوره شاه‌عباس، مقطعی بوده و در همین دوره، دوباره حج رونق گرفت و حتی شیخ حرّ عاملی (د. ۱۱۰۴ق) و شیخ بهایی (د. ۱۰۳۰ق) که از عالمان بزرگ این دوره بودند، حج به‌جا آوردند.^۴ پس از دوره شاه‌عباس نیز که دوره رونق و ثبات نسبی و عدم ورود به جنگ با ازبک‌ها و عثمانی‌هاست و تقریباً صد سال را شامل می‌شود، حج‌گزاری رونق داشته است؛ به طوری که محمدحسن مستوفی (د. نیمه دوم قرن ۱۲) در کتاب خود، اشاره به ۳۰۰۰ نفر حج‌گزار ایرانی در عهد سلطان حسین صفوی دارد^۵ که با توجه به مقتضیات و امکانات و نسبت جمعیتی آن دوران، رقم چشمگیری است.

یکی از مهم‌ترین اقدامات شاه‌عباس، برقراری مجدد امنیت در مسیرهای تجاری و زیارتی بود؛ به صورتی که ایران به دلیل امنیت جاده‌هایش مشهور گردید. نگهبانان مسلح یا راهدارها که در طول جاده‌ها مستقر شده بودند، به ازای مبلغی ناچیز که از مسافران می‌گرفتند، آنها را در برابر دزدان و راهزنان حفاظت می‌کردند.

در سال ۱۰۲۲ق قرارداد صلحی میان شاه‌عباس صفوی و سلطان احمد اول عثمانی (۱۰۱۱-۱۰۲۵ق) منعقد شد که در آن، مقرر شد که حاجیان ایران از راه حلب و دمشق به حج بروند و دولت عثمانی، امنیت آنان را تأمین نماید.^۶ در نامه‌ای دیگر، شاه‌عباس به سلطان سلیمان می‌نویسد:

«صلح میان من و شما و مکاتباتی که با هم داشتیم، ان‌شاءالله ادامه یابد و چقدر خوب است که در سایه آرامش حاصل از ایده صلح، حجاج و زوّار ایرانی به حج می‌روند.»^۷

۱. امحزون، مدینة المنورة فی رحلة العیاشی، ص ۱۸۷-۱۸۹.

2. Du cerceau, jean antoine.

۳. دوسرسو، علل سقوط شاه‌سلطان حسین، ص ۹۳-۹۴ و ۱۴۶.

۴. جعفریان، مقالات تاریخی، دفتر ۱۲، «چند گزارش از سفرهای حج دوره صفوی»، ص ۲۶۵.

۵. ر.ک: خاتون آبادی، وقایع السنین والأعوام، ص ۵۵۶-۵۵۷.

۶. مهدوی، تاریخ روابط خارجی ایران، ص ۳۲.

۷. نوایی، اسناد و مکاتبات سیاسی ایران از سال ۱۰۳۸ تا ۱۱۰۵ق، ص ۲۸۳.





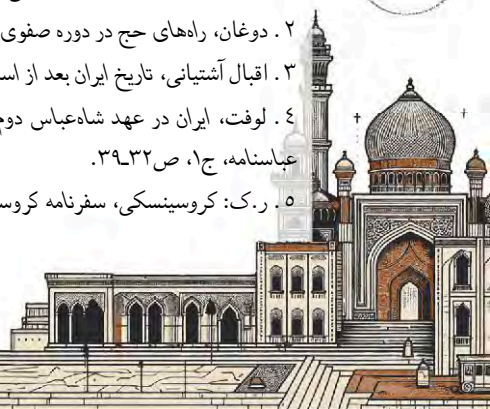
در سال ۱۰۴۹ق که بین شاه صفی صفوی و سلطان مراد عثمانی (۱۶۲۳-۱۶۴۰م) قرارداد صلح منعقد شد، در مورد زوار ایرانی که از قلمرو عثمانی عبور می‌کردند، قید شده بود که با تقاضای دولت صفوی مبنی بر کاهش عوارض تحمیلی از حجاج ایرانی به مکه موافقت به عمل آید.^۱ همین درخواست دولت صفوی را در دو دهه بعد نیز در توافق شاه عباس دوم (۱۰۵۲-۱۰۷۷ق) و دولت عثمانی شاهد هستیم.^۲

در دوره شاه عباس دوم، امام قلی خان پادشاه ازبک (۱۰۲۰-۱۰۶۰ق) به عزم زیارت مکه، از ترکستان به خراسان آمد. شاه عباس دوم فرمان داد که همه جا از او به خوبی پذیرایی شود؛ حتی خود او نیز تا دو فرسنگی قزوین به استقبال امام قلی خان رفت و با احترام تمام او را به مکه فرستاد.^۳ برای پذیرایی از امام قلی خان، فرمانروای بخارا که در حال سفر به مکه بود، ۲۰ هزار تومان و برای برادرش محمد خان (۱۰۵۱-۱۰۵۵ق) در سال ۱۰۵۷ق نیز ۵۰ هزار تومان هزینه شد.^۴

در دوره سلطنت شاه عباس دوم که دشواری‌های سفر حج برای حجاج ایرانی به اوج خود رسیده بود و نبود امنیت در راه‌ها، به‌ویژه راه جبل، غارت اموال کاروان‌های حج ایرانی و قتل حجاج توسط راهزنان افزایش یافته بود. با صلاح‌حدید فقها و به دستور شاه عباس، عزیمت ایرانیان به حج متوقف شد.^۵ مدتی بعد، حاکم بصره از شاه عباس خواست که این ممنوعیت را لغو کرده و به قافله‌های حج رخصت عبور از مسیر بصره را بدهد. شاه عباس در قبال پذیرش درخواست حاکم بصره، شروطی گذاشت که از حجاج در رفت و برگشت از حرمین شریفین، به غیر از شتردار، آشپز و برید، بیشتر از سی سکه طلا پولی نگیرند و اجازه ندهند که اعراب به حجاج آزار و اذیتی برسانند. همچنین، حاکم بصره ملزم شد که حجاج را از اول ذی القعدة از بصره حرکت دهد و جز به اندازه ضرورت، در بین راه معطل ننماید. شاه ایران نیز به خواسته



۱. رودلف، اقتصاد و سیاست خارجی عصر صفوی، ص ۱۳.
۲. دوغان، راه‌های حج در دوره صفوی، ص ۴۵.
۳. اقبال آشتیانی، تاریخ ایران بعد از اسلام، ص ۵۹۸.
۴. لوفت، ایران در عهد شاه‌عباس دوم، ص ۷۹؛ ترکمان، تاریخ عالم‌آرای عباسی، ج ۱، ص ۱۳۷-۱۴۶؛ وحید قزوینی، عباسنامه، ج ۱، ص ۳۹۳۲.
۵. ر.ک: کروسینسکی، سفرنامه کروسینسکی، ص ۲۵؛ اعتماد السلطنه، تاریخ منتظم ناصری، ج ۲، ص ۱۰۳۷.





حاکم بصره پاسخ مثبت داد و اوامر و فرامینی در این باره به خان‌های اطراف فرستاد تا کاروان‌های حج را مهیای حرکت از راه بصره نمایند. در این نامه، به موضوع دشواری‌های راه حج از طریق بصره اشاره شده است. اندکی بعد، حاکم بصره به شاه ایران قول داد که در این زمینه اقدامات و تمهیداتی انجام دهد. در این نامه، بر روابط خویشاوندی به دلیل سیادت و بهبود مناسبات تأکید شده است.^۱

در دوران شاه‌سلیمان (۱۰۷۷-۱۱۰۵ق)، عبدالعزیزخان پادشاه ازبک (۱۰۵۵-۱۰۹۱ق) در سال ۱۰۹۳ق از بخارا به اصفهان آمد و از اصفهان به حج رفت و در مدینه مرد.^۲ همین زمان، ایران مسیر رفت‌وآمد کاروان‌های حج سنیان ماوراءالنهر، مانند ازبکان نیز بود. این امر، نشان می‌دهد که مسیر ازبکان، گاهی با مسیر شیعیان ایران که از اصفهان به حج می‌رفتند، یکی بوده است و وجود امنیت در راه‌های ایران، سبب انتخاب این مسیر توسط حجاج سایر مناطق برای عزیمت به حج بود.

در دوره شاه‌سلیمان، به دلیل بدرفتاری‌های مکرر و ضررهای جانی و مالی حجاج و سنگینی مالیات و عوارضی که از آنها اخذ می‌شد، شاه عزیمت حجاج از مسیر بصره را تحریم نمود.^۳ اتخاذ این تصمیم، عثمانی و به‌ویژه بصره را از درآمدهای زیادی که از این طریق کسب می‌نمودند، محروم کرد و زندگی قاطبه مردم بصره، گرفتار سختی و تنگدستی شد.^۴ به همین دلیل، امیرالحاج عثمانی همراه با فرستاده‌ای که حامل نامه پاشای بصره بود، به اصفهان رفتند تا شاه‌سلیمان حکم تحریم راه بصره را لغو نماید. در آن جلسه، امیرالحاج عثمانی ملتزم و متعهد شد که از آن پس، هیچ‌یک از زائران و حجاج ایرانی، از مأموران بصره گله و شکایتی نداشته باشند. امیرالحاج در این مورد، چندان پافشاری نمود تا استدعایش پذیرفته شد و دولت عثمانی متعهد شد، کسانی را که سبب آزار و اذیت زائران ایرانی گردند،

۱. سیستانی، احیاء الملوك، ص ۴۷۹؛ شاردن، دائرة المعارف تمدن ایران، مدخل «سیاحت‌نامه شاردن»، ج ۲، ص ۶۱۶؛ اوزون چارشلی، تاریخ عثمانی، ص ۱۱۳. گفتنی است که این نامه، در کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی به شماره ۱۱۶۳۹ موجود است.

۲. خاتون‌آبادی، وقایع السنین والأعوام، ص ۱۱۵.

۳. شاردن، دائرة المعارف تمدن ایران، مدخل «سیاحت‌نامه شاردن»، ج ۲، ص ۶۱۵.

۴. همان، ص ۶۱۶.



به‌سختی مجازات کند و موجبات آسایش و رفاه حجاج و زائران راه بصره را فراهم نماید. همچنین قول داد، از این پس، حجاج می‌تواند بدون نگرانی از پرداخت مالیات و عوارض سنگین و دیگر مزاحمت‌ها و آزار و اذیت‌ها، با خیال آسوده از این مسیر به مکه بروند.^۱

به دستور شاه‌حسین، محمدقلی خان اعتمادالدوله، صدراعظم ایران، نامه‌ای برای صدراعظم عثمانی فرستاد که برخلاف رسم معمول، به دور از تعارفات و ابهام و کنایه بود؛ شکواییه‌ای صریح و روشن و حاوی تمام مشکلاتی که حجاج ایرانی با آن مواجه بودند. در این نامه، دولت ایران به‌عنوان شاکی نسبت به امور حاجیان، ابراز داشته که امرا و حاکمان مکه، بغداد، بصره، شام و امیران حاج، از حجاج و زائران ایرانی و جوهی با عناوین مختلف دریافت می‌کنند که بیشتر از طاقت و توان آنهاست و از دولت عثمانی که خود را خادم حرمین شریفین می‌داند، بعید است که در اخذ مالیات و عوارض با عناوین مختلف این‌گونه بدعت می‌کنند. بنابراین، باید فرامینی صادر شود که این بدعت‌ها مرتفع شود و موظف‌اند از حجاج بیت‌الله بیش از یازده اشرفی که از قدیم مقرر بوده، مطالبه نمایند و شخصی مطمئن را به‌عنوان امیرالحجاج انتخاب کرده که ایشان را مساعدت کند.^۲

از متن این نامه می‌توان دریافت که دولت صفوی در مورد حج از عثمانی‌ها متوقع بوده است؛ زیرا آنها خود را «خادم الحرمین الشریفین» و سرور جهان اسلام می‌خواندند و لازم بود راه‌های حج را بازگذاشته و امنیت جانی و مالی حجاج را تأمین نموده و با عناوین مختلف، پول و مالیات بیش از اندازه از حجاج شیعه ایرانی دریافت نکنند.

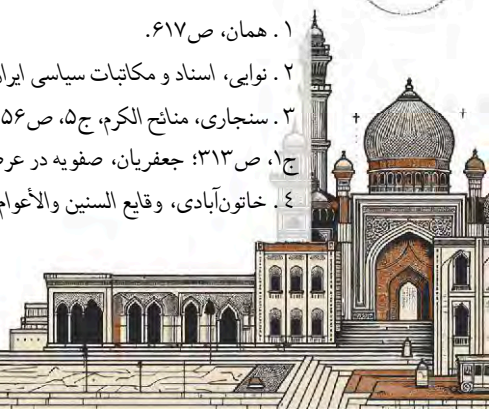
در این دوره، شمار حجاج ایرانی، بیش از ادوار گذشته بوده و رفت‌وآمد خواجگان و درباریان صفوی نیز به حج افزایش یافته بود و مبالغ هنگفتی صرف مراسم حج می‌شد؛^۳ به‌گونه‌ای که در سال ۱۱۱۵ق حجاج ایران حدوداً مبلغ صد هزار تومان به این سفر زیارتی بردند؛ درحالی‌که درآمد سالیانه شاه صفوی در همین سال‌ها، شصت هزار تومان برآورد شده است.^۴ از همین زمان به بعد بود که دولت عثمانی برای حجاج ایرانی در آناتولی و عراق،

۱. همان، ص ۶۱۷.

۲. نوایی، اسناد و مکاتبات سیاسی ایران از سال ۱۰۳۸ تا ۱۱۰۵ق، ص ۱۷۳-۱۷۶.

۳. سنجاری، منافع الکریم، ج ۵، ص ۲۵۶. خاتون‌آبادی، وقایع السنین والأعوام، ص ۵۵۳؛ حسینی قمی، خلاصه التواریخ، ج ۱، ص ۳۱۳؛ جعفریان، صفویه در عرصه دین، فرهنگ و سیاست، ج ۲، ص ۸۴۴.

۴. خاتون‌آبادی، وقایع السنین والأعوام، ص ۵۵۳.





سرپرستی قرارداد تا امنیت و سلامت حجاج ایرانی را تضمین نماید.^۱ ضمن اینکه وقتی شخصیتی از درباریان صفوی برای سفر حج عزیمت می‌کرد، شمار زیادی از صاحب‌منصبان و توده‌ها با او همراهی می‌کردند تا از مزایای وجود او برای تأمین امنیت خود و سایر مسائل بهره ببرند. مشیزی در این باره چنین می‌نویسد:

«میرزا شجاع خبیصی نیز با کوچ و متعلقان خود نیز رفیق و عازم زیارت بیت‌الله‌الحرام شد. راقم حروف، محمدسعید میرشهاب نیز از خدمت عالیجاه دستوری مرخص و به رفاقت مستوفی‌روانه شد.»^۲

رفتن به سفر حج، نه تنها برای صاحب‌منصبان امتیاز به شمار می‌آمد، بلکه برای خواجهگان که اموال فراوانی داشته و وارثی نداشتند، خوشایندتر بود. مشیزی ذیل حوادث سال ۱۰۹۳ق، از سفر خواجه کاظم محصّص و نظراًقا ریش سفید شترداران کرمانی یاد کرده که به همراه شماری دیگر، از راه بصره عازم حج شدند.^۳

نمونه‌ای از فرامینی را که شاهان صفوی در ارتباط با سفر برخی از صاحب‌منصبان صادر می‌کردند و ضمن آن از امرای طول مسیر می‌خواستند تا امنیت آنان را تأمین کنند، قاضی احمد منشی قمی (د. ۹۹۰ق) در کتاب خود آورده است.^۴

۳. موقوفات و صدقات صفویان برای حج

از آنجا که سیاست شاهان صفوی با دین آمیخته بود، بسیار مشتاق بودند که اعتقادات خود را در انظار عمومی نیز نشان دهند. توجه به مسئله وقف اموال و دارایی‌های منقول و غیر منقول و کتب ارزشمند و پرداخت صدقات، نذورات و هدایا به اماکن زیارتی و علما و سادات و سایر مجاوران اماکن متبرک توسط شاهان صفوی برای کسب وجهه بیشتر در بین مردم - که البته تقلید مردم از آنان را در این زمینه به دنبال داشت - دلیلی دیگر بر توجه به زیارت و رونق و آبادی مسیرهای زیارتی بود. از این رو، برخی از شاهان و صاحب‌منصبان صفوی، به وقف اموالی برای زائران و یا فراهم کردن امکانات رفاهی در بین راه و یا در مسیر شهرهای زیارتی همت گماشته‌اند. علاوه بر آن، توشه راهی برای زائران فراهم ساخته و سعی کرده‌اند تا حدی

۱. بانوی اصفهانی، سفرنامه منظوم حج، ص ۳۶.

۲. مشیزی، تذکره صفویه، ص ۴۶۸.

۳. همان، ص ۴۹۵.

۴. منشی قمی، خلاصه التواریخ، ص ۶۲۵.



از مشقت راه دشوار آنان بکاهند. شواهدی وجود دارد که حاکمان صفوی یا منصوبان آنها، هزینه انجام حجّ برخی از شیعیان را تأمین می نمودند؛ مانند زینب بیگم دختر شاه طهماسب (د. ۱۰۵۰ق) که هزینه حج شیخ علی عاملی (د. ۹۸۴ق) را تأمین کرد. شاه سلیمان هرسال از اجناس و اموال، مبلغ هشتاد هزار تومان به اماکن شریفه و آستان‌های متبرکه مانند مکه مکرمه و مدینه منوره می فرستاد.^۱

وقف‌نامه‌هایی از دوره صفوی موجود است که در آن، قسمتی از درآمد موقوفه، برای مصارف مختلف مسافران در نظر گرفته شده است. همچنین، ساخت کاروان‌سرا، آب‌انبار، مهمان‌خانه (ضیافت‌خانه)، دارالشفاء وقفی و... خود به رواج و گسترش سفرهای زیارتی کمک می کرد. بسیاری از زائران در مسیر سفر حج، از برکات این موقوفات بهره‌مند می شدند و در راه، بدون پرداخت هزینه، از کاروان‌سراهای وقفی یا آب‌انبارها و یا سفره‌خانه‌های وقفی استفاده می کردند.

موقوفات صفویان در زمینه حج و برای حرمین شریفین و یا شرفا (۳۵۸-۳۴۳ق) و سادات مدینه، از دیگر موضوعاتی بود که صفویه را با حجاز مرتبط می ساخت. در برات (مجوّز) صدراعظم عثمانی رستم‌پاشا (د. ۱۵۶۱م)، در جواب وکلای شاه طهماسب که از آماسیه نامه فرستاده بودند و خواستار برات برای وقف در مکه و مدینه شده بودند، مقدار وقف و نحوه آن تعیین شده است.^۲

شاه سلیمان صفوی هرسال از اجناس و اموال مبلغ هشتاد هزار تومان به اماکن شریفه و آستان‌های متبرکه مانند مکه و مدینه می فرستاد.^۳

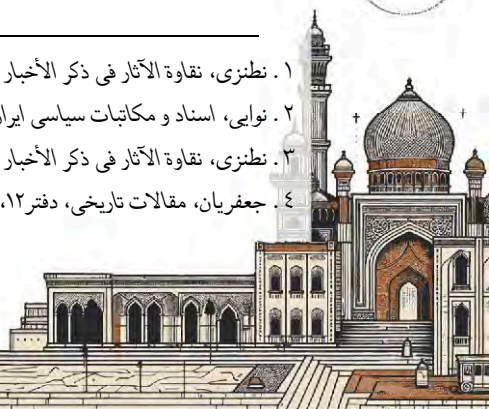
وقف‌نامه‌ای در سال ۹۴۰ق در استرآباد نوشته شده که ضمن آن، امیر سید لطیف شاه حسینی، قریه فوجرد را با ملحقات، بر زوار و ابناء السبیل روضه مقدسه حضرت رسول ﷺ وقف کرده است.^۴

۱. نطنزی، نقاوة الآثار فی ذکر الأخبار در تاریخ صفویه، ص ۱۵.

۲. نوایی، اسناد و مکاتبات سیاسی ایران از سال ۱۰۳۸ تا ۱۱۰۵ق، ص ۲۵۸.

۳. نطنزی، نقاوة الآثار فی ذکر الأخبار در تاریخ صفویه، ص ۱۵.

۴. جعفریان، مقالات تاریخی، دفتر ۱۲، ص ۲۸۵.





زنان خاندان صفوی نیز در امر وقف فعال بودند. تاجلوبیگم، دختر شاه اسماعیل صفوی، روستای حسن آباد ری را وقف مدینه منوره کرد که بعدها محصول آن، صرف سادات می شد.^۱ اگرچه عثمانیان اجازه تعمیر اماکن مقدس و ارسال هدایا به این اماکن را به صفویان نمی دادند، اما در این میان، هدایایی که در زمان‌های مختلف از ایران به همراه خواجگان و زنان دربار دولت ایران با کاروان حج ارسال می شد، توازن سیاسی میان دو دولت را تحت تأثیر قرار می داد.

برای سلاطین قدرتمند، اهمیت بسیار داشت که حکومت آنان در مکه به رسمیت شناخته شود. در دوره حکومت شرفا بر مکه، هر چند سرزمین حجاز تحت سلطه عثمانی بود، اما به لحاظ مذهبی (سیادت صفویه و ابراز علاقه شرفا به سادات)، در فراهم کردن زمینه ارتباط مناسب بین صفویان و اشراف، مؤثر بود. اشراف حجاز هنگام سفر به ایران، مورد تکریم و حمایت مالی دولتمردان صفویه قرار می گرفتند.^۲ این ارتباط، سبب تقویت تشیع در آن دیار می شد.

نتیجه

از این بررسی کوتاه، برمی آید که صفویان با توجه به مقدسات و باورهای مذهبی و اظهار علاقه و محبت نسبت به پیامبر ﷺ و ائمه اطهار و اهمیت دادن به مراسم مذهبی، از جمله حج، گام‌های مهمی در مدیریت افکار عمومی و کسب مقبولیت و مشروعیت برداشتند. دولت صفویه، به امر حج بی اعتنا نبوده است و با وجود دشمنی با عثمانی‌ها و روابط خصمانه آنان با یکدیگر، حج‌گزاری ایرانیان در دوره صفوی، در بیشتر سال‌ها انجام می شد. همچنین، صفویان کوشش فراوانی در زمینه برقراری امنیت راه‌ها در محدوده قلمرو خود انجام دادند که در آن، اهداف: مذهبی، اجتماعی و سیاسی مهمی دنبال می شد؛ زیرا توجه به امر زیارت و اماکن مقدسه و تأثیر ناشی از آن، نقش مهمی در گسترش مذهب و فرهنگ شیعه در سطح جهان اسلام داشت. ایجاد و مرمت راه‌های زیارتی از سوی شاهان صفوی،

۱. فرشایف ابریشمی، صفویان از ظهور تا زوال، ص ۱۲۰؛ ر.ک: منشی قمی، خلاصه التواریخ، ج ۱، ص ۵۹۸.

۲. حسینی، تحفة الأزهار و زلال الأنهار، ج ۲، ص ۴۶۶.





جنبه تبلیغی فراوانی داشت و هر چند از اعتقادات واقعی تهی نبود، در زمره این کوشش‌ها محسوب می‌گردید.

با توجه به عهدنامه‌ها و قراردادهایی که بین دولت صفوی و عثمانی به امضا رسیده، درمی‌یابیم که مسئله حج برای شاهان و دولتمردان صفوی، امری بسیار مهم بوده و دولت صفوی برای عزیمت حجاج ایرانی به سرزمین حجاز، از دولت عثمانی، حاکمان شهرهای مسیر حج و شرفای مکه، تعهد و تضمین امنیت حجاج را مطالبه می‌کرد. در دوره‌هایی که آرامش سیاسی بین دو دولت صفوی و عثمانی بیشتر برقرار بوده، شاهد افزایش چشمگیر جمعیت حجاج ایرانی و حتی عزیمت بسیاری از درباریان و صاحب‌منصبان و به‌خصوص زنان خاندان صفوی^۱ به حج هستیم که این خود، دلیل دیگری بر اثبات این ادعاست.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



۱. مانند سفر حج مادر شاه اسماعیل دوم در سال ۹۸۴ق. (ر.ک: دوغان، «راه‌های حج در دوره صفویه»)، مجله میقات حج، ش ۵۷، ص ۱۰۸.





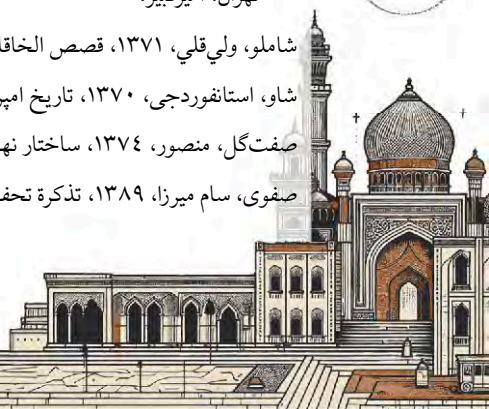
منابع

- ابن اثیر، علی، ۱۳۸۵ق، الكامل فی التاریخ، بیروت، دار صادر.
- ابن جبیر، محمد بن احمد، ۱۹۸۶م، رحله، بیروت، دار مکتبه الهلال.
- ابن خردادبه، عبدالله، ۱۴۰۸ق، المسالك والممالك، بیروت: دار صادر.
- ابن طباطبا علوی اصفهانی، ابراهیم، ۱۳۷۲، مهاجران آل ابوطالب، ترجمه: عطایی، مشهد، آستان قدس رضوی.
- ابن فقیه، احمد، ۱۴۱۶ق، البلدان، به کوشش: یوسف الهادی، بیروت: عالم الکتب.
- اعتماد السلطنه، محمد حسن، ۱۳۶۳-۱۳۶۷، تاریخ منتظم ناصری، تهران، چاپ محمد اسماعیل رضوانی.
- اقبال آشتیانی، عباس، ۱۳۹۵، تاریخ ایران بعد از اسلام، تهران، پر.
- الوردی، علی، ۱۳۶۹ق، لمحات الاجتماعیة من تاریخ العراق، بغداد، الارشاد.
- أمحزون، محمد، ۱۴۰۸ق، المدینة المنورة فی رحلة العیاشی، کویت، دار الأرقم.
- انوری، حسن، ۱۳۸۲، فرهنگ فشرده سخن، ج ۲، تهران، سخن.
- اوزون چارشلی، اسماعیل حقی، ۱۳۶۸، تاریخ عثمانی، ترجمه: ایرج نوبخت، تهران، کیهان.
- اولناریوس، آدم، ۱۳۶۹، سفرنامه اولناریوس؛ اصفهان خونین شاه صفی، ج ۲، ترجمه: حسین کردبچه، تهران، کتاب برای همه.
- باستانی پاریزی، محمد ابراهیم، ۱۳۷۵، سیاست و اقتصاد در عصر صفوی، تهران، امیرکبیر.
- بانوی اصفهانی، ۱۳۷۴، سفرنامه منظوم حج، به کوشش: رسول جعفریان، تهران، مشعر.
- براون، ادوارد، ۱۳۱۶، تاریخ ادبیات ایران، ج ۴، ترجمه: رشید یاسمی، چاپ اول، تهران، ابن سینا.
- تاورینه، ژان باتیست، بی تا، سفرنامه تاورینه، ترجمه: ابوتراب نوری، با تجدید نظر: حمید شیرانی، اصفهان، کتابخانه سینایی.
- ترکمان، اسکندریک، ۱۳۷۸، تاریخ عالم آرای عباسی، تصحیح: محمد اسماعیل رضوانی، تهران، دنیای کتاب.
- جعفر الخياط، ۱۴۰۷ق، مکه فی المراجع الغربیة، ضمن موسوعة العتبات المقدسة، الطبعة الثانية، بیروت.
- جعفریان، رسول، ۱۳۷۳، به سوی ام القرى، تهران، مشعر.
- جعفریان، رسول، ۱۳۷۹، صفویه در عرصه دین فرهنگ و سیاست، تهران، پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- جعفریان، رسول، ۱۳۸۷-۱۳۸۸، مقالات تاریخی، قم، دلیل ما.
- جعفریان، رسول، ۱۳۸۸، سیاست و فرهنگ روزگار صفوی، تهران، علم.
- جعفریان، رسول، ۱۴۰۱، پنجاه سفرنامه، تهران، علم.
- حافظ ابرو، عبدالله، ۱۳۷۵، جغرافیای حافظ ابرو، تهران، میراث مکتوب.
- حسینی، ضامن بن شدقم، ۱۳۷۸، تحفة الأزهار وزلال الأنهار، تهران، میراث مکتوب.
- حسینی فسایی، حسن، ۱۳۸۲، فارسنامه ناصری، به کوشش: رستگار، تهران، امیرکبیر.





- حسینی قمی، احمد، ۱۳۸۳، خلاصه التواریخ، تصحیح: احسان اشراقی، تهران، دانشگاه تهران.
- خاتون آبادی، سید عبدالحسین، ۱۳۵۲، وقایع السنین والأعوام، به کوشش: بهبودی، تهران، اسلامیت.
- خلیلی عراقی، محمدرضا، بی تا، با من به خانه خدا بیایید، تهران، شرکت طبع کتاب.
- خنجی اصفهانی، فضل الله بن روزبهان، ۱۳۷۹، تاریخ عالم آرای امینی، تهران، خانواده.
- دوسرسو، ژان آنتوان، ۱۳۹۱، علل سقوط شاه سلطان حسین، ترجمه: ولی الله شادان، تهران، کتاب سرا.
- دوغان، أسرا، ۱۳۹۰، تاریخ حج گزاری ایرانیان، تهران، مشعر.
- دوغان، أسرا، «راه های حج در دوره صفویه»، مجله میقات حج، شماره ۵۷.
- دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۳، لغت نامه، تهران، مؤسسه لغت نامه دهخدا، دانشگاه تهران.
- روملو، حسن، بی تا، احسن التواریخ، تهران، کتابخانه صدر.
- رویمر، هانس روبرت، ۱۳۸۰، دوران صفویان، ترجمه: یعقوب آژند، چاپ اول، تهران، جامی.
- سانسون، ۱۳۴۶، سفرنامه سانسون، ترجمه: تقی تفضلی، تهران، بی نا.
- سبائی، احمد، ۱۴۰۴، تاریخ مکه، مکه، مکه، نادى مكة الثقافى.
- سرور، غلام، ۱۳۷۴، تاریخ شاه اسماعیل صفوی، ترجمه: محمدباقر آرام و عباسقلی غفاری فرد، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- سعد الراشد، سعد عبدالعزيز، ۱۴۱۴ق، درب زبیده طریق الحج من الكوفة إلى مكة المكرمة، ریاض، دار الوطن.
- سنجاری، علی، ۱۴۱۹ق، منائح الکرّم، به کوشش: المصرى، مکه، جامعة ام القرى.
- سیرو، ماکسیم، ۱۳۷۵، راه های باستانی ناحیه اصفهان و بناهای وابسته به آنها، ترجمه: مهدی مشایخی، تهران، سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران.
- سیرو، ماکسیم، ۱۳۶۲، کاروان سراهای ایران و ساختمان های کوچک میان راهها، ترجمه: عیسی بهنام.
- سیستانی، ملک شاه حسین، ۱۳۸۳، احياء الملوك: تاريخ سيستان تا عصر صفوی، به کوشش: ستوده، تهران، علمی و فرهنگی.
- سیفی هروی، سیف بن محمد (آصف، محمد)، ۱۳۸۱، پیراسته تاریخنامه هرات، تهران، محمود افشار.
- سیوری، راجر، ۱۳۷۲، ایران عصر صفوی، ترجمه: کامبیز عزیزی، تهران، مرکز.
- شاردن، ژان، ۱۳۴۹، دائرة المعارف تمدن ایران، مدخل «سیاحت نامه شاردن»، ترجمه: محمد عباسی، چاپ دوم، تهران، امیرکبیر.
- شاملو، ولی قلی، ۱۳۷۱، قصص الخاقانی، تصحیح: سید حسن سادات ناصری، تهران، وزارت فرهنگ.
- شوا، استانفوردجی، ۱۳۷۰، تاریخ امپراتوری عثمانی، ترجمه: محمود رمضانزاده، مشهد، آستان قدس رضوی.
- صفت گل، منصور، ۱۳۷۴، ساختار نهاد و اندیشه دینی در ایران عصر صفوی، تهران، رسا.
- صفوی، سام میرزا، ۱۳۸۹، تذکرة تحفه سامی، یزد، سامی.





طبری، محمدبن جریر، ۱۴۱۲ق، تاریخ طبری، به کوشش: محمد ابوالفضل، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
عبدالغنی بن اسماعیل، ۱۴۱۹ق، الحقیقة والمجاز فی رحلة بلاد الشام ومصر والحجاز، به کوشش: ریاض عبدالحمید، دمشق، دار المعرفة.

غفاری قزوینی، احمد، ۱۳۴۳، تاریخ جهان‌آرا، تهران، حافظ.

فرشاد ابریشمی، محمدرضا، ۱۳۹۹، صفویان از ظهور تا زوال، تهران، آوازه ابریشمی.

کروسینسکی، تادوزیودا، ۱۳۶۳، سفرنامه کروسینسکی، ترجمه: عبدالرزاق مفتون دنبلی، تصحیح: مریم میراحمدی، تهران، توس.

کمپفر، انگلبرت، ۱۳۶۰، سفرنامه کمپفر به ایران، ترجمه: کیکاووس جهان‌داری، تهران، خوارزمی.

لوفت، پاول، ۱۳۸۰، ایران در عهد شاه‌عباس دوم، ترجمه: کیکاووس جهان‌داری، تهران، وزارت امور خارجه.

مشیزی، میر محمدسعید، ۱۳۶۹، تذکره صفویه، تهران، علم.

مقدسی بشاری، محمد، ۱۴۱۱ق، احسن التقاسیم، قاهره، مکتبه مدبولی.

مهدوی، عبدالرضا هوشنگ، ۱۳۶۹، تاریخ روابط خارجی ایران، چاپ چهارم، تهران، انتشارات امیرکبیر.

نطنزی، محمدبن هدایت‌الله افوشته‌ای، ۱۳۸۳، نقاوة الآثار، به اهتمام: احسان اشراقی، تهران، دانشگاه تهران.

نوایی، عبدالحسین، ۱۳۶۰، اسناد و مکاتبات سیاسی ایران از سال ۱۰۳۸ تا ۱۱۰۵ق، تهران، بنیاد فرهنگ ایران.

نوایی، عبدالحسین، ۱۳۶۸، شاه‌طهماسب صفوی؛ مجموعه اسناد و مکاتبات تاریخی، تهران، ارغوان.

نوربخش، مسعود، ۱۳۷۰، با کاروان تاریخ: مروری بر تاریخچه سفر و سیاحت در ایران از باستان تا امروز، تهران، ایران‌شهر.

نوروزی، جمشید، ۱۳۹۱، تمدن ایران در دوره صفویه، تهران، مدرسه.

وحید قزوینی، محمدطاهر، ۱۳۲۹، عباسنامه: شرح زندگانی ۲۲ ساله شاه‌عباس ثانی، تصحیح: ابراهیم دهقان، اراک، کتاب‌فروشی داودی.

هیلن براند، رابرت، ۱۳۷۷، معماری اسلامی، ترجمه: ایرج اعتصام، تهران، شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.

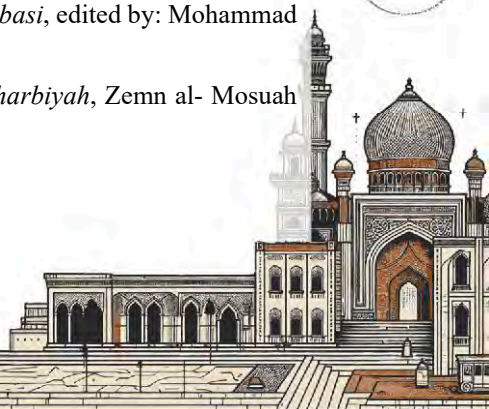
هینتس، والتر، ۱۳۶۲، تشکیل دولت ملی در ایران حکومت آق‌قویلو و ظهور دوران صفوی، ترجمه: کیکاووس جهان‌داری، تهران، خوارزمی.





References

- Ibn Athir, Ali, 1385 A.H., *Al-Kamil fi Tarikh*, Beirut, Dar al-Sader.
- Ibn Jobeir, Mohammad ibn Ahmad, 1986, *Rehlah*, Beirut, Dar al Maktabat al Helal.
- Ibn Khordazbeh, Abdollah, 1408 A. H, *Al-Masalek va al- Mamalek*, Beirut: Sader publications.
- Ibn Tabataba Alavi Esfahani, Ebrahim, 1372, *Mohajiran al Abu Taleb*, translation: Ataei, Mashhad, Astan Qods Razavi.
- Ibn Faqih, Ahmad, 1416 A. H, *Al-Boldan*, by the effort of: Yusef al-Hadi, Beirut: Donyaye Ketab.
- Etemad al-Saltaneh, Mohammad Hassan, 1367-1363, *Nasseri History*, Tehran, published by: Mohammad Esmail Rezvani.
- Eqbal Ashtiani, Abbas, 2015, *History of Iran after Islam*, Tehran, Par publications.
- Al-Verdi, Ali, 1369 A.H., *Momahat al- Ejtema'eeyah men Tarikh al- Araq*, Baghdad, Al-Ershad.
- Mahzoon, Mohammad, 1408 A. H, *Al-Madinah al-Monavarh fi Rehlat al- Ayashi*, Kuwait, Dar al-Arqam.
- Anvari, Hassan, 1382, *Sokhan Compact Dictionary*, Volume 2, Tehran, Sokhan.
- Ozon Charshili, Esmacil Haqqi, 1368, *Ottoman history*, translated by: Iraj Nobakht, Tehran, Keyhan.
- Olearius, Adaam, 1369, *Olearius' travel book; Isfahan e- Khunin e- Shahsafi*, vol. 2, translated by: Hossein Kordbacheh, Tehran, Ketab Baraye Hameh.
- Bastani Parizi, Mohammad Ebrahim, 1375, *politics and economy in Safavid era*, Tehran, Amir Kabir.
- Banuei Esfahani, 1374, *Hajj poetry travel book*, edited by: Rasul Jafarian, Tehran, Mush'ar.
- Brown, Edward, 1316, *History of Iranian Literature*, Volume 4, translated by: Rashid Yasemi, first edition, Tehran, Ibn e- Sina.
- Taverin, Jean-Batiste, Bita, *Travel of Taverin*, translated by: Abu Torab Nouri, revised by: Hamid Shirani, Isfahan, Sinaei Library.
- Turkaman, Skanderbeik, 1378, *Tarikh e- Alamaray e- Abbasi*, edited by: Mohammad Esmacil Rezvani, Tehran, Donya e- Ketab.
- Jafar al-Khayyat, 1407 A. H, *Makkah fi al-Mrājj al-Gharbiyah*, Zemn al- Mosuah fi Atabat al-Moqaddasah, second edition, Beirut.
- Jafarian, Rasul, 1373, *to UM. Ol-Qora*, Tehran, Mash'ar.



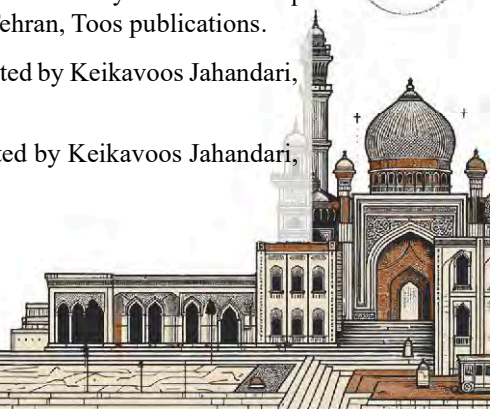


- Jafarian, Rasul, 1379, *Safavids in the domain of religion, culture and politics*, Tehran, Hozeh and University Institute.
- Jafarian, Rasul, 1387-1388, *historical articles*, Qom, Dalil e- Ma.
- Jafarian, Rasul, 1388, *Politics and Culture of the Safavid Era*, Tehran, Elm.
- Jafarian, Rasul, 1401, *Fifty Travel book*, Tehran, Elm publications.
- Hafez Abro, Abdollah, 1375, *Geography of Hafez Abro*, Tehran, Mirath e- Maktoob.
- Hosseini, Zaman ibn Shadqam, 1378, *Tohfa al-Azhar va Zolal-al-Anhar*, Tehran, Mirath e- Maktoob.
- Hosseini Fassaei, Hassan, 1382, *Farsnameh Naseri*, by: Rastegar, Tehran, Amirkabir.
- Hosseini Qomi, Ahmad, 1383, *Kholasat al-Tawarikh*, edited by: Ehsan Eshraqi, Tehran, University of Tehran.
- Khatunabadi, Seyyed Abdol Hossein, 1352, *Vaqaye al- Senin va al-A'vaam*, edited by: Behboodi, Tehran, Eslamiyat.
- Khalili Araqi, Mohammad Reza, Bita, *come with me to the house of God*, Tehran, Ketab publications.
- Khanji Esfahani, Fazlollah ibn Rozbahan, 1379, *Tarikh e- Alamaray e- Amini*, Tehran, Khanevadeh.
- Dusserssus, Jean Antoine, 2013, *the causes of the fall of Shah Sultan Hossein*, translated by: Vali Allah Shadan, Tehran, Ketabsara.
- Doghan, Asra, 1390, *Iranian Pilgrimage History*, Tehran, Mash'ar.
- Doghan, Asra, *Hajj Routes in the Safavid Era*, Miqat e- Hajj Magazine, No. 57.
- Dehkoda, Ali-Akbar, 1373, *Dictionary*, Tehran, Dehkoda Dictionary Institute, University of Tehran.
- Romlu, Hassan, Bita, *Ahsan al-Tawarikh*, Tehran, Sadr Library.
- Roimer, Hans Robert, 1380, *Safavid era*, translation: Yaqub Azhend, first edition, Tehran, Jami.
- Sanson, 1346, *Sanson's travel book*, translated by Taghi Tafazzoli, Tehran, Bina.
- Saba'i, Ahmad, 1404 A. H, *Tarikh e- Makkeh*, Makkah, Nadi Makkah al-Thaqafi.
- Sarwar, Gholam, 1374, *History of Shah Esmail Safavi*, translated by Mohammad Baqer Aram and Abbas Qoli Ghaffarifar, Tehran, Daneshgah publications.
- Sa'd al-Rashed, Sa'd Abd ol-Aziz, 1414 A.H., *Darb e- Zobaidah Tariq al- Hajj Men al-Kufah ela Makkat al-Mokarameh*, Riyadh, Dar al-Watan.





- Sanjari, Ali, 1419 A. H, *Mana'eh al-Karam*, by the effort of: Al-Mesri, Mecca, Jamiah al- Um ol- Qora.
- Siro, Maxim, 1375, *Ancient roads of Isfahan district and related monuments*, translated by: Mehdi Mashayekhi, Tehran, National Organization for the Protection of Ancient works of Iran.
- Siro, Maxim, 1362, *Iran, caravansaray and the small buildings on the ways*, translated by: Isaa behnam.
- Sistani, Malek Shah Hossein, 1383, *Ehya al-Moluk: History of Sistan until Safavid era*, edited by: Sotoudeh, Tehran, Elmi Farhangi publications.
- Seifi Heravi, Seif ibn Mohammad (Asef, Mohammad), 1381, *Herat History*, Tehran, Mahmoud Afshar.
- Siori, Rodger, 1372, *Iran in Safavid Era*, translated by Kambiz Azizi, Tehran, Markaz publications.
- Sharden, Jean, 1349, *Encyclopaedia of Iranian Civilization*, entry "Sharden's travel book", translation: Mohammad Abbasi, second edition, Tehran, Amir Kabir.
- Shamlou, Vali-Qoli, 1371, *Qesas-al-Khaqani*, correction: Seyed Hassan Sadat-Nasseri, Tehran, Ministry of Culture.
- Shaw, Stephanfordji, 1370, *History of the Ottoman Empire*, translated by: Mahmoud Ramzanzadeh, Mashhad, Astan Qods Razavi.
- Sefatgol, Mansour, 1374, *structure of religious thought in Iran of Safavid Era*, Tehran, Rasa.
- Safavi, Sam Mirza, 1389, *Tazkirat al- Tohfah Sami*, Yazd, Sami.
- Tabari, Mohammad ibn Jarir, 1412 A. H, *Tarikh e- Tabari*, edited by: Mohammad Abolfazl, Beirut, Dar al- Ehyay al-Torath al- Arabi.
- Abdol Ghani-ibn-Esmail, 1419 A. H, *Al-Haqiqah va Al-Majaz fi rehlat al- Belad al-Sham*, Mesr and Hijaz, by Riaz Abdol Hamid, Damascus, Dar al-Marefah.
- Ghaffari Qazvini, Ahmad, 1343, *Tarikh e- Jahanaray*, Tehran, Hafez publications.
- Farshbaf Abrishami, Mohammadreza, 2019, *Safavids from emergence to decline*, Tehran, Avajeh Abrishami.
- Krusinski, Tadoziuda, 1363, *Krusinski's travel book*, translated by: Abdol Razzaq Maftun Danbali, corrected by Maryam Mirahmadi, Tehran, Toos publications.
- Kampfer, Engelbert, 1360, *Kampfer's travel book*, translated by Keikavoos Jahandari, Tehran, Kharazmi.
- Luft, Pavel, 1380, *Iran in time of Shah Abbas II*, translated by Keikavoos Jahandari, Tehran, Ministry of Foreign Affairs.





Moshizi, Mir Mohammad Sa'eed, 1369, *biography of Safavids*, Tehran, Elm publications.

Moghaddasi Bashari, Mohammad, 1411 A. H, *Ahsan al-Taqasim*, Cairo, Maktab al-Madbooli.

Mahdavi, Abdolreza Hushang, 1369, *History of Iran's Foreign Relations*, 4th edition, Tehran, Amir Kabir Publications.

Natanzi, Mohammad ibn e- Hodaytollah Afoushte'ei, 2013, *Neqavat al- Asaar*, by: Ehsan Eshraqi, Tehran, University of Tehran.

Navaei, Abdol Hossein, 1360, *Iran's political documents and correspondence from 1038 to 1105 A. H*, Tehran, Farhang e- Iran Institute.

Navaei, Abdol Hossein, 1368, *Shah Tahmasb Safavi*, Collection of historical documents and correspondence, Tehran, Arqavan.

Nourbakhsh, Masoud, 1370, *with the caravan of history: a review of the history of travel and tourism in Iran from ancient times to present*, Tehran, Iranshahr.

Nowrozi, Jamshid, 1391, *Iran's Civilization in Safavid Era*, Tehran, Madresh publications.

Vahid Qazvini, Mohammad Tahir, 1329, *Abbasnameh: 22-year-old biography of Shah Abbas e- Thani*, edited by: Ebrahim Dehqan, Arak, Davoudi bookstore.

Helen Brand, Robert, 1377, *Islamic architecture*, translated by: Iraj E'tesam, Tehran, Urban Processing and Planning Company.

Hintz, Walter, 1362, *Development of national government in Iran under the reign of Aqqoyunlu and the emergence of the Safavids*, translated by Keikavus Jahandari, Tehran, Kharazmi.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی





پروشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

